Defense Policy

127

Vol. 33
Summer 2024
P.P: 11-50

Research Paper

Received:
2022-11-21
Revised:
2024-01-10
Accepted:
2024-10-02
Published:
2024-12-15

ISSN: 1025-5087
E-ISSN: 2654-4971

Foresight of relations between the Islamic Republic of Iran and the Republic of Azerbaijan in the next ten years

Hadi Aghaei[1] | Mohammad Mobini[2]

Abstract

The Islamic Republic of Iran, as one of the effective actors in the South Caucasus scene, has a lot in common with the Republic of Azerbaijan. History, religion, common borders and the presence of relatives on both sides of the border are very effective potentials in the convergence of the two sides, which are rare in the relations of other governments. The available evidence shows that both countries have not been successful in regulating their relations. The main question of the article is what scenarios the future of relations between Iran and the Republic of Azerbaijan will face in the next 10 years.In response to this problem and by reviewing the research literature, the background of the relations between the two countries was studied and 20 influential factors (definite and indeterminate) in the relations between the two countries were extracted and after going through the eight stages of Schwartz's scenario writing, among the 12 scenarios found 3 desirable, possible and probable scenarios were identified.And finally, the scenario of peaceful coexistence was identified as the preferred and desirable scenario of Iran in the horizon of the next ten years.The results of the research show that the future of the relations between the two countries is mostly at the level of commercial and economic relations, and in order to revive the active political and social role of Iran in Azerbaijan, extensive changes in the attitude and macro policies of the country of Azerbaijan are necessary.

Keywords: Foresight; Islamic Republic Of Iran; Azerbaijan; Peaceful Coexistence; Schwartz Scenario.

1. Doctoral student of regional studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran
2. Corresponding author: Assistant Professor, Faculty of Imam Hossein University, Tehran, Iran
mobini20@yahoo.com

DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.127.1.4

Publisher: Imam Hussein University
© **Authors**
This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

۱۲۷
سال سی و سوم
تابستان ۱۴۰۳
صص: ۵۰-۱۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵

شاپا چاپی: ۵۰۸۷-۱۰۲۵
الکترونیکی: ۴۹۷۱-۲۶۵۴

آینده پژوهی روابط ایران و جمهوری آذربایجان در افق ده سال آینده

هادی آقایی[۱] | محمد مبینی[۲]

چکیده

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران موثر در صحنه قفقاز جنوبی اشتراکات فراوانی با کشور جمهوری آذربایجان دارد. تاریخ، مذهب، مرزهای مشترک و نیز وجود اقوام خویشاوند در دو سوی مرز، پتانسیل‌های بسیار موثری در همگرایی دو طرف به شمار می‌روند که در مناسبات سایر دولت‌ها کم نظیر است. شواهد موجود نشان می‌دهد هر دو کشور آن چنان که باید در تنظیم مناسبات خود موفق نبوده‌اند. پرسش اصلی مقاله این است که آینده روابط ایران و جمهوری آذربایجان در افق ۱۰ سال آینده با چه سناریوهایی مواجه خواهد بود. در پاسخ به این مساله و با مرور ادبیات تحقیق، پیشینه روابط دو کشور مورد مطالعه قرار گرفت و ۲۰ عامل تاثیرگذار (قطعی و غیرقطعی) در روابط دو کشور استخراج شد و پس از طی مراحل هشت‌گانه سناریونویسی شوارتز، از میان ۱۲ سناریوی یافت شده، تعداد ۳ سناریوی مطلوب ، ممکن و محتمل شناسایی شدند و نهایتاً سناریوی رصد با دقت و حرکت محتاطانه به عنوان سناریوی ممکن با احتمال بالای تحقق و سناریوی آتش زیرخاکستر به عنوان سناریوی محتمل و سناریوی همزیستی مسالمت آمیز به عنوان سناریوی مرجع و مطلوب ایران در افق ده سال آینده، مورد شناسایی قرار گرفت و معرفی شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد آینده روابط دوکشور بیشتر در سطح روابط تجاری و اقتصادی مطرح بوده و برای احیای نقش‌آفرینی فعال سیاسی و اجتماعی ایران در آذربایجان تغییرات گسترده در نگرش و سیاست‌های کلان کشور آذربایجان ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، ایران، جمهوری آذربایجان، همزیستی مسالمت‌آمیز، سناریو شوارتز

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران
۲. نویسنده مسئول: استادیار، هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران mobini20@yahoo.com

DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.127.1.4

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

© نویسندگان
این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

منطقه قفقاز به دلیل قرار گرفتن در محدوده استراتژیکی از جهان که آن را به مرکز ثقل ارتباط شرق، غرب، شمال و جنوب جهان تبدیل نموده است و همچنین بدلیل واقع شدن آن در حد فاصل مناطق استراتژیک هارتلند (نظریه مکیندر) و ریملند(نظریه اسپایکمن) و از سوی دیگر همسایگی با روسیه از اهمیت بالایی برخوردار است، همچنین کشف منابع سرشار از انرژی در این منطقه پس از فروپاشی جنگ سرد(شوروی)، نگاه قدرتهای بزرگ را به این منطقه معطوف کرده است و در واقع امروزه در دنیا منطقه‌ای نیست که همچون منطقه قفقاز، به عنوان یک بازیگر اصلی بازار عظیم نفتی بالقوه مطرح باشد(حیدری، ۱۳۹۰، ۲۰۷). در حقیقت ذخائر متعدد نفت و گاز، اهمیت ژئوپلتیک و ژئواکونومیک دریای خزر را مضاعف کرده است. بنابراین قرار گرفتن منطقه قفقاز در کنار دریای خزر در نگاه اول و موقعیت جغرافیایی و منابع و ترانزیت انرژی در نگاه دوم، نشان دهنده ارزش و اهمیت این منطقه می‌باشد. (حیدری، ۱۳۹۰، ۲۰۷) با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کشورهای جدیدی پا به عرصه نظام بین الملل گذاشتند که سه کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در منطقه قفقاز از جمله این کشورها می‌باشند(ثریا،۱۷۰،۱۳۸۹)

کشور جمهوری آذربایجان مهم‌ترین کشور منطقه قفقاز جنوبی است که در همسایگی شمال‌غربی ایران قرار داردکه از جنوب با استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی همسایه است و ۷۶۷ کیلومتر با ایران مرز مشترک دارد. جمهوری آذربایجان در نقطه تلاقی قاره‌های آسیا و اروپا قرار دارد و به دلیل موقعیت چهارراهی خود، ارتباط روسیه را در شمال با ایران، خلیج فارس و دریای عمان و از آن راه با آبهای جهان در جنوب فراهم می‌سازد. جمهوری آذربایجان یک کشور مسلمان و شیعه است که پیوندهای تاریخی عمیقی با ایران دارد و تا زمانی نه چندان دور بخشی از سرزمین ایران بوده است و از سوی دیگر جمهوری آذربایجان به دلایل خاص سیاسی- امنیتی، قومی، فرهنگی و تاریخی همواره نقطه اصلی نگاه ایران به منطقه قفقاز به حساب آمده است. (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲، ۶۱)

بنابراین آذربایجان به لحاظ ساختار جغرافیای سیاسی ویژه، جمعیت شناختی و مکانیسم حکومتی در امنیت ملی ایران موثرتر از دیگر جمهوری‌های قفقاز است. (نصری مشکین، ۱۳۹۷، ۱۰۶) موضوعی که موجب پیچیدگی سیاست خارجی در قفقاز می‌گردد، تحت فشار گذاشتن

دولت‌های منطقه، توسط قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.(پیشگاهی‌فرد و موسوی فرد،۱۳۸۸،۲۲) تضاد ایدئولوژیک مهم‌ترین عامل واگراساز در روابط ایران و آذربایجان قلمداد می‌گردد، به طوری که تصورات متضاد سیاسی حاکم بر کنشگران ایرانی و آذری در سطح کارگزان دولتی باعث ساخت‌یابی یک ساختار واگرا در روابط دو جانبه آنها شده است. اما با این وجود دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در رابطه با همگرایی در این منطقه مثبت است و جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلف از جمله مسائل امنیتی و توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود، مخالف واگرایی در منطقه قفقاز جنوبی و در راس آن جمهوری آذربایجان است.

منطقه قفقاز با وضعیت پیچیده‌ای مواجه است؛ فرصت‌ها و تهدیدهایی را در بطن خود داراست و شناسایی دقیق آنها رسالتی است تعیین کننده که می‌توانند مشی سیاسی مطلوب را گوشزد نماید. (نصری مشکین، ۱۳۷۹، ۸۶) با آنکه آذربایجان در مقایسه با دیگر کشورهای قفقاز جنوبی، از لحاظ مذهبی و قومی از شباهت زیادی با ایران برخوردار است و همواره میان این دو کشور مناسباتی وجود داشته است. (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۳) اما در سال‌های اخیر روابط ایران و آذربایجان بسیار کم‌رنگ‌تر شده و از اواخر دهه نود به پایین‌ترین سطح ممکن رسیده است، که دلایل این اتفاق را می‌توان در عوامل واگرا در روابط دو کشور یافت. طبق این برداشت، تلاش مقامات آذربایجانی برای برقرای ارتباط گسترده با نیروهای فرامنطقه‌ای و حتی دعوت از آنها برای همکاری نظامی در دریای خزر، حساسیت و بدگمانی ایران را در پی داشته است. بنابراین در رفتار سیاست خارجی ایران و آذربایجان عناصری از بی‌اعتمادی و سوء ظن نسبت به اهداف طرف مقابل وجود دارد که عمده این نگرش از نگاه تاریخی منفی دو طرف نسبت به یکدیگر ناشی می‌شود. بدون گذر از این بی‌اعتمادی همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گسترده‌تر امکان پذیر نخواهد بود و تحول در روابط دو کشور نیاز به خروج از تفکرات امنیتی و اعتماد ساز دارد. (موسوی و همکاران،۱۳۹۲: ۵۲)

بعد از اعلام استقلال کشور جمهوری آذربایجان، روابط باکو - تهران در سطح مطلوبی قرار داشت و البته با چالش‌هایی در دو دهه اخیر همراه بوده است. شاخص‌هایی مانند اشتراکات تاریخی، مذهبی و فرهنگی به عنوان عوامل اصلی برای گسترش روابط دو طرف به حساب می‌آید اما در مقابل شاخص‌هایی مانند روابط روبه گسترش با رژیم صهیونیستی و امریکا، گسترش ناتو در

منطقه قفقاز ، تداوم اختلاف در مورد رژیم حقوقی دریای خزر به عنوان عوامل اصلی بازدارنده در گسترش روابط دو کشور است.

سوال اصلی این پژوهش این است که در آینده چه سناریوهایی در خصوص روابط سیاسی و اجتماعی کشور جمهوری آذربایجان و ایران متصور است؟ بررسی اسناد، شواهد و قرائن توسط نگارنده حکایت از این دارد که در این خصوص پژوهش‌های منظم ومکتوبی تدوین نشده است. بنابراین محققین در این پژوهش با مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی و با استفاده از روش پیمایشی و برگزاری پنل خبرگانی در جهت رسیدن به پاسخ سوال اصلی پژوهش حاضر هستند.

مبانی نظری

نظریه همگرایی

همگرایی هم می تواند به عنوان فرایند و هم وضعیت تعریف شود. وضعیت همگرایی یعنی شرایطی که در آن کنشگران به یک اجتماع جدید می‌رسند. فرایند یا فرایند های دخیل در آن نیز عبارتند از وسایل و ابزاری که این اجتماع از طریق آنها حاصل می‌شود.(مشیر زاده، ۱۳۸۹: ۴۰)

همگرایی را به بهترین وجه به صورت یک فرایند می‌باید تجزیه و تحلیل کرد،زیرا حرکتی است درزمینه افزایش همکاری میان دولتها.(قوام، ۱۳۸۸: ۴۴)

بنابراین همگرایی، فرآیندی است که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف‌نظر کرده، از یک قدرت فوق ملی پیروی می کنند. در اغلب موارد از همگرایی به عنوان شیوه‌ای برای حل و فصل درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی یا شده که طی آن به تدریج واحدها و مناطق دیگر را شامل شده و در بلند مدت باعث بسط و گسترش انترناسیونالیسم می‌شود. به رغم وجود اختلاف نظرهایی در مورد متغیرهای اصل همگرایی، بسیاری از پژوهشگران درباره موضع‌هایی همچون نقش نهادها و نخبگان، کم و کیف مبادلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ایجاد نوعی اجتماع فوق ملی و حرکت‌های یکپارچه کننده و انسجام دهنده، دارای نظرهای مشترکی هستند.(رنجبرحیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۵)

همگرایی و تعارض در سیاست منطقه‌ای و بین‌الملل:

دولت‌ها تحت تاثیر انگیزه‌ها، نیروها، اهداف و منافع در حالت همکاری، رقابت و تعارض با یکدیگر به سر می‌برند. بر این اساس داده‌های سیاست خارجی روی هم رفته دارای آثار متفاوتی هستند و در نتیجه طیف وسیعی از همکاری‌های نزدیک یا دور، برخوردهای شدید یا ضعیف و نیز رقابت در مقیاس‌های گوناگون در عرصه سیاست بین‌الملل مشاهده می‌شود. بدین‌ترتیب به دو نوع برداشت در فرایند تجزیه و تحلیل روابط بین‌الملل برمی‌خوریم: دیدگاه نخست؛ محور اصلی مطالعه زمینه‌های همکاری و اشتراک مساعی میان واحدهای سیاسی متفااوت است. دیدگاهوت است. دیدگاه دوم؛ اساس بررسی خود را بر وجود تضاد منافع و تعارض خواست‌ها میان افراد از یک‌سو و جوامع انسانی از سوی دیگر قرار داده، به جای برقراری روابط نزدیک و همکاری‌های دوستانه میان ملت‌ها، بر واحدهای سیاسی و حاکمیت جداگانه با منافع ناهمگون تاکید می‌ورزد. شاید برداشت سومی در مطالعه کیفیت روابط بین‌الملل وجود داشته باشد که طی آن روابط میان واحدهای سیاسی را صرفاً براساس تعارض صرف یا برمبنای همکاری مطلق تجزیه و تحلیل قرار نمی‌دهد، بلکه ترکیبی از این دو وضعیت (همکاری و تضاد) را در نظر می‌گیرد. ارتباطات مستمر در روابط بین‌الملل ضرورت دارد تا همکاری بین‌المللی شکل گیرد. اگر فهم‌های متفاوت از واقعیت را نتوان از طریق کنش تفاهمی حل و فصل کرد، همکاری تحت حاکمیت قواعد ناممکن می‌شود، این مسئله بیانگر آن است که در نظام بین‌الملل، همکاری کم و بیش شکنندگی خود را دارد. (رنجبرحیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۵)

مدل همکاری و رقابت در روابط منطقه‌ای:

در روابط بین الملل به دنبال ارتباطات مستمر، ضرورت دارد تا همکاری‌های بین‌المللی شکل گیرد، روابط میان کشورها در بهترین حالت می‌تواند بر اساس همکاری و تعامل مثبت و در بدترین حالت براساس رقابت و تضاد و تعامل منفی باشد. اما واقعیت آن است که در بیشتر موارد میان دولت‌ها ترکیبی از همکاری و رقابت به طور همزمان برقرار است. در چنین حالتی دو دولت در سطح دو جانبه منطقه‌ای و جهانی در موارد و در موضوعاتی همانند اقتصاد، فرهنگ و سیاست و امنیت با یکدیگر همکاری می‌کنند و در مواردی نیز رقابت‌های آنها در جریان است. در چنین

وضعی کشورها به شکل سیاه و سفید به یکدیگر نگاه نمی‌کنند بلکه دو کشور در حوزه‌های موضوعی متعدد منافع خود را تعریف و رقابت‌ها و همکاری را محدود به آن حوزه‌ها می‌کند. (رنجبرحیدری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۶)

آینده پژوهی

آینده پژوهی به عنوان حوز های نوین، به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها است که « کدام آینده‌ها امکان وقوع دارند؟کدام آینده‌های ممکن از احتمال وقوع بیشتری» برخوردارند؟ و از میان آینده‌های محتمل کدام یک برای ما مطلوب است و یا کدام آینده مطلوب‌تر را می‌توان به شیوه هوشمندانه معماری کرد؟ » پس در یک تعریف ساده و در عین حال بسیار ژرف، آینده‌پژوهی را می‌توان « علم و هنر کشف آینده و شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا» عنوان کرد. آینده پژوهان معتقد به چهارگونه آینده هستند: ۱) آینده‌های ممکن[۱]: منظور، تمامی حالات شدنی است که استعداد تحقق در آینده را دارند و به عبارتی روشن‌تر محال ذاتی نبوده و و امکان‌پذیر هستند. ۲) آینده باورپذیر[۲]: همان آینده‌هایی هستند که بر پایه دانش و خرد بشر، باور کردنی و پذیرفتنی هستند و آن‌ها را می‌توان زیر مجموعه آینده‌های ممکن دانست. ۳) آینده‌های محتمل[۳]: در میان آینده‌های ممکن، برخی از آینده‌ها از امکان وقوع بیشتری برخوردار هستند و بر پایه دانش و درک ما پذیرفتنی‌تر هستند، که این آینده‌ها را محتمل می‌نامند. ۴) آینده‌های مرجح[۴] یا مطلوب[۵]: آینده مطلوب، همان آینده‌هایی هستند که ما بر پایه ارزش‌ها و هدف‌گذاری‌ها، خواستار شکل‌گیری و تحقق آن‌ها هستیم. (میرعبدلی و خراسانی، ۱۳۹۸ : ۴۴)

---

۱ -Possible Futures

۲–Plausible Futures

3. Probable Futures
4. Preferable Futures
5. Desirable Futures

پیشینه روابط دو کشور

کشور جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱ میلادی اعلام استقلال نمـود وبلافاصـله بعـد از آن خواستار شناسایی خود از طریق کشورهای مختلف شد.ترکیه اولین کشوری بود که ۳ روز بعـد از اعلام استقلال جمهوری آذربایجان، این کشور را به رسمیت شناخت ولی جمهوری اسلامی ایـران با تأخیری ۵ ماهه کشور جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت. روابط جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران پس از استقلال این کشور، دارای چالش‌های فراوان بوده است. این دوران را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد. مرحله اول مربوط به دوران ریاست جمهوری ایاز مطلب‌اف و آغاز جنگ قره‌باغ می‌باشد که در این دوران جمهـوری اسـلامی ایـران بیشـتر نقـش میـانجگری را برای کمک به حل بحران برعهده داشت. روابط جمهوری آذربایجان با سایر کشورها (به خصوص جمهوری اسلامی ایران) از همان ابتدای استقلالش تحت تاثیر بحران قـره‌بـاغ بـوده و در واقـع در حوزه ارتباطات این کشور نقش اصلی را بازی می‌کند. در ادامه و با به قدرت رسیدن ایلچی بیگ، روابط دو طرف به شدت به تیره و تار شد و اما این رونـد بـا روی کارآمـدن حیـدر علـی‌اف سـیر صعودی به خود گرفت و علی‌اف با حفظ روابط خـود بـا کشـورهای همسـایه، روابـط خـود را بـا کشورهای فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا و رژیم منحـوس صهیونیسـتی بـیش از پـیش تقویـت نمـود. مسئله رژیم حقوقی دریای خزر و استفاده از منابع آن جزء اصلی‌ترین عوامل تاثیر گذار در روابط دو کشور در این دوران بود. مرحله سوم عبارتست از به قدرت رسیدن الهام علی‌اف فرزنـد حیـدر علی‌اف، که با آغاز این دوران روند تقویت اتحاد جمهوری آذربایجان با غـرب سـرعت بیشـتری گرفت و با شکل‌گیری این رویکرد، کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در راستای اهـداف خـود ، منطقه قفقاز جنوبی را بیش از پیش مورد توجه قرار دادند.

روابط سیاسی

روابط سیاسی ایران و جمهوری آذربایجان را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- ایران و جمهوری دموکراتیک آذربایجان(۱۹۱۸-۱۹۲۰).

۲- دوره اتحاد شوروی(۱۹۲۰-۱۹۹۱).

۳- دوره استقلال از شوروی(از سال ۱۹۹۱).

پس از استقلال جمهوری آذربایجان برقراری روابط رسمی میان این کشور و ایران در ژانویه ۱۹۹۲ آغاز شد. (البته جمهوری اسلامی ایران سومین کشوری است که که با تاخیر ۵ ماهه، استقلال جمهوری آذربایجان را در مورخه ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ مطابق با ۴ دی ۱۳۷۰ به رسمیت شناخت). نخستین محور همکاری سیاسی ایران با جمهوری آذربایجان تلاش تهران برای ورود باکو به سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله اکو و سازمان همکاری‌های اسلامی[1] بود. حتی در سال ۱۹۹۲ جمهوری اسلامی ایران در دستور کاری، همه سفارتخانه‌های خود در جهان را ملزم به ارایه خدمات به دیپلمات‌های جمهوری آذربایجان کرد. بیش از ۹۰ سند همکاری در زمینه‌های گوناگون به ویژه اعلامیه گروه‌های دوستی میان دولت و مجالس دو کشور در جریان سفر حیدر علی‌اف در سال ۱۹۹۴ بین روسای جمهور دو کشور به امضاء رسید.(پوراحمدی میبدی و پدین، ۱۳۹۹: ۷۸) پس از درگذشت حیدر علی‌اف، الهام علی‌اف پسر وی در اکتبر سال ۲۰۰۳ به ریاست جمهوری آذربایجان انتخاب گردید که سیاست‌های دوستی و همکاری با ایران را دنبال کرد. (مطالعات راهبردی، ۱۳۹۷، ۵۷) و از آن زمان تا سال ۱۴۰۰ سفرهای رسمی روسای جمهور دو کشور به شرح جدول زیر می‌باشد

جدول ۱. سفرهای رسمی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

ردیف	مقام سفر کننده	تاریخ سفر	توضیحات
۱	سید محمد خاتمی(رئیس جمهور)	مرداد ۱۳۸۳	– انعقاد قراردادهای همکاری در زمینه‌های مختلف – آغاز بکار سرکنسولگری جمهوری آذربایجان در تبریز
۲	الهام علی‌اف(رئیس جمهور)	دی ۱۳۸۳	– قراردادهای همکاری در بخش‌های مرزبانی، فرهنگی، دارایی، نیروگاه‌های برق و...
۳	محمود احمدی‌نژاد(رئیس جمهور)	آذر۱۳۸۴	– مراسم راه‌اندازی خط لوله گاز رسانی ایران– نخجوان
۴	محمود احمدی‌نژاد(رئیس جمهور)	مرداد ۱۳۸۶	– انجام سفر رسمی

1. Organizations of Islamic Countries (OIC)

جدول ۱. سفرهای رسمی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

ردیف	مقام سفر کننده	تاریخ سفر	توضیحات
۵	الهام علی‌اف(رئیس جمهور)	آبان ۱۳۸۶	– شرکت در دومین نشست سران کشورهای ساحلی دریای خزر
۶	الهام علی‌اف(رئیس جمهور)	اسفند ۱۳۸۷	– انجام سفر رسمی
۷	محمود احمدی‌نژاد(رئیس جمهور)	آذر ۱۳۸۹	– انجام سفر رسمی
۸	دیدار دو رئیس جمهور (حسن روحانی–الهام علی‌اف)	بهمن ۱۳۹۲	– در حاشیه نشست مجمع اقتصادی داووس در سوئیس
۹	الهام علی‌اف(رئیس جمهور)	اسفند ۱۳۹۳	– امضاء ۱۲ سند همکاری بین دو کشور
۱۰	حسن روحانی (رئیس جمهور)	آبان ۱۳۹۳	– امضاء شش سند همکاری
۱۱	الهام علی‌اف(رئیس جمهور)	فروردین۱۳۹۴	– امضاء ۴ سند همکاری
۱۲	حسن روحانی(رئیس جمهور)	مرداد ۱۳۹۵	– در چارچوب همکاری‌های دو جانبه، امضاء ۶ سند همکاری
۱۳	الهام علی‌اف(رئیس جمهور)	اسفند ۱۳۹۵	– امضاء دو سند همکاری در زمینه مبارزه با پولشویی و اطلاعات مالی و توسعه شبکه ارتباطات ریلی
۱۴	دیدار سید ابراهیم رئیسی و الهام علی‌اف (در حاشیه پانزدهمین اجلاس سران کشورهای عضو اکو در ترکمنستان)	آذر ۱۴۰۰	– حمایت از جمهوری آذربایجان در باز پس گیری مناطق اشغالی – قرارداد سوآپ گاز ترکمنستان به آذربایجان از طریق ایران – تاکید بر نقش رژیم صهیونیستی و قدرت‌های خارجی(در بر هم زدن روابط دو کشور)

همکاری‌های دفاعی، نظامی

همکاری‌های نظامی ج. ا. ایران با ج. آذربایجان را می‌توان در دو دوره مورد بررسی قرار داد. دوره اول، در مقطع جنگ قره‌باغ که آذری‌ها دچار بحران داخلی و خطر تجزیه و اشغال سرزمین توسط ارمنستان بودند، شک گرفت که می‌توان نقطه اوج روابط نظامی دو کشور دانست. در این مقطع اقداماتی از جمله: موافقت نامه همکاری نظامی، تامین و پشتیبانی اقلام بهداری، ایجاد اردوگاه آورگان جنگی و . . . انجام شد. این همکاری‌ها به طور فعال ادامه داشت تا اینکه ترک‌ها وارد صحنه شدند. از آن پس آذربایجان با چرخش به سمت غرب سطح همکاری خود با ج. ا. ایران را کاهش داد و در جهت واگرایی از کشورمان قدم برداشت.

در دور دوم روابط دفاعی، ابتدا با همکاری‌های امنیتی و سفر مقامات امنیتی و سیاسی دو طرف از سال ۲۰۱۱ که جو ملایم و محتاط در روابط دو کشور حاکم شد، شروع گردید و در مرحله بعدی نیز زمینه همکاری‌های دفاعی پس از سفر رئیس جمهور وقت ایران (آقای خاتمی) به باکو در سال ۲۰۰۴ فراهم شد.نقطقه عطف این همکاری‌ها را می‌توان در سفر دریادار شمخانی(وزیر دفاع وقت) در آذر ۱۳۸۳، و سفر متقابل صفر ابی اف (وزیر دفاع وقت) در اردیبهشت ۱۳۸۴ و امضای توافقنامه نظامی دانست. این توافقنامه بر اساس معاهده اصول مناسبات دوستی و همکاری در سال ۲۰۰۲ میلادی به امضاء رسید، بر همکاری‌های جدی در عرصه دفاعی با تاکید بر تحکیم صلح، ثبات و اعتماد و تاکید بر اراده طرفین برای همکاری بر سراساس احترام و اعتماد متقابل و با اطمینان به اینکه روابط دو جانبه در زمینه دفاعی منجر به توسعه روابط فی‌مابین دولت‌های طرفین خواهد شد، صحه می‌گذارد. در همین راستا هیئت وزارت دفاع ج. آذربایجان به ریاست ژنرال ذاکر حسن‌اف در فروردین ۱۳۹۳ و متقابلاً سردار دهقان در راس یک هیئت عالی رتبه به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور برای گفتگو با رئیس جمهور آذربایجان در خصوص برخی مسائل و مشکلات امنیتی به این کشور سفر کرد. در ادامه وزیر دفاع ایران در آوریل ۲۰۱۵ به کشور آذربایجان و ذاکر حسن‌اف (وزیر دفاع آذربایجان) در آوریل ۲۰۱۷ به کشور ایران سفر کردند که طی آن توافقات قبلی دو کشور از جمله در خصوص تشکیل کارگروه دفاعی مشترک مورد تاکید قرار گرفت.(مطالعات راهبردی، ۱۳۹۷، ۵۸). آخرین سفر وزیر دفاع کشور جمهوری آذربایجان مربوط به بهمن ۱۴۰۰ می‌باشد که طی این سفر حسن‌اف با رئیس ستاد کل نیروهای

مسلح(سرلشکر باقری) و رئیس جمهور (آقای سید ابراهیم رئیسی) دیدار و گفتگو کرد و در آن سفر طرف ایرانی بر مخالفت با هرگونه اشغالگری(آزاد سازی منطقه قره‌باغ)، توسعه روابط با همسایگان، مقابله با تروریسم، تقویت بیشتر همکاری‌های مؤثر، انجام سفرهای متقابل، افزایش تبادل تجربیات و اجرای پروژه های مشترک تاکید کردند.(خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۰)

همکاری‌های اقتصادی حمل و نقل، روابط اقتصادی(سرمایه‌گذاری‌های متقابل)

روابط اقتصادی در همکاری جمهوری آذربایجان و ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وجود خطوط ارتباطی مناسب از عواملی است که می‌تواند محرک توسعه روابط اقتصادی فنی و تجاری بین دو کشور باشد. ایران متناسب با موقعیت جغرافیایی خود با بهره‌گیری از تمام امکانات حمل و نقل دریایی مانند باکو- انزلی و باکو – نوشهر، خطوط ریلی، مانند راه‌آهن نخجوان- جلفا-تبریز- تهران و خط آهن باکو- تبریز- تهران، راه زمینی باکو- آستارا- ایران، روابط اقتصادی خود با ایران را توسعه بخشیده است. برای احیای جاده ابریشم و فعالیت بزرگراه اروپا- قفقاز-آسیا نیز لازم هست تا هر دو کشور وضعیت راه آهن و راه‌های زمینی خود را به سطح استاندارد برسانند. (حسین‌پور، ۱۳۹۹: ۹۷)

خطوط هوایی باکو-تهران - تبریز نیز فعال است. افتتاح خطوط پرواز باکو به مشهد و تبریز نیز بر رفت و آمد مردم دو کشور تاثیر مثبتی دارد. جمهوری آذربایجان برای پل مرزی بین آستارا اهمیت ویژه‌ای قائل است. دولت ایران با اعطای وام دارای تخفیف به مبلغ ۱۲۰ میلیون دلار، مسئولیت بازسازی بخش سالیان آستارا و جاده باکو-آستارا را بر عهده گرفت. برای احداث راه آهن آستارا-قزوین نیز دولت آذربایجان با ایران مذاکراتی را صورت داده است. در نتیجه این تحولات، جمهوری خودمختار نخجوان با ایران و ترکیه از طریق خط آهن ارتباط متصل خواهد شد. (حسین‌پور، ۱۳۹۹: ۱۰۱)

هم‌اکنون حجم مبادلات تجاری بین دو کشور در بخش غیرنفتی ۴۰۰میلیون دلار و در بخش نفتی ۶۰۰میلیون دلار است که به طور کلی، بالغ بر یک میلیارد دلار است. در بخش غیر نفتی میزان صادرات ایران به آذربایجان ۳۸۰ میلیون دلار و واردات آن کشور ۲۰ میلیون دلار است.

طرح‌های مشترک اقتصادی و سرمایه‌گذاری ا بین دو کشور عبارتند از

- سرمایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در میدان گازی شاهد به میزان حدود ۲ میلیارد دلار.

- تامین مالی بخشی از عتبار مورد نیاز برای ساخت راه آهن رشت – آستارا

- پروژه ساخت پل ریلی آستارا- آستارا، احداث ترمینال باری آستارا و ساخت۱/۳ کیلومتر راه آهن حدفاصل ترمینال مذکور و پل ریلی آستارا- آستارا، با توجه به توافق به عمل آمده میان روسای کمسیون مشترک اقتصادی دو کشور مبنی بر ساخت پل ریلی آستارا برای رودخانه آستارا چای، ترمینال باری آستارا و ساخت ۱/۳کیلومتر راه آهن حدفاصل ترمینال یاد شده و پل ریلی تا پایان ۲۰۱۶ (به عنوان بخشی از مسیر کریدور شمال-جنوب) ، عملیات ساخت پل به اتمام رسیده است و مسیر ریلی ۱/۳ کیلومتری و بارانداز آستارا در حال ساخت است.

-پروژه احداث سایت مونتاژ خودرو در جمهوری آذربایجان.

- پروژه احداث کارخانه تولید دارو در باکو؛ (مطالعات راهبردی، ۱۳۹۷، ۶۰)

جدول(۱): آمار مبادلات تجاری جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان تا سال ۱۳۹۵

سال	میزان صادرات	میزان واردات	حجم مبادلات تجاری	تراز تجاری	روند تغییر تراز تجاری
۱۳۹۲	۵۱۷	۳۲	۵۴۹	۴۸۵	به نفع ایران است
۱۳۹۳	۴۸۰	۲۲	۵۰۲	۴۵۸	به نفع ایران است
۱۳۹۴	۲۳۲	۳۲	۲۶۴	۲۰۰	به نفع ایران است
شش ماهه ۱۳۹۵	۳۰۰ (۱۲۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۳۲ میلیون دلار)	۳۱	۳۳۱	۲۶۹	به نفع ایران است

بر اساس آخرین گزارش کمیته دولتی گمرکی جمهوری آذربایجان، حجم مبادلات تجاری این کشور و ایران در دوره ژانویه تا نوامبر ۲۰۲۱ به میزان ۲۲,۴ درصد یا ۸۷,۶ میلیون دلار افزایش یافته است و همچنین در ادامه بر اساس این گزارش، در ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۲۱، حجم مبادلات تجاری دو کشور ۳۹۰,۴ میلیون دلار بوده که صادرات ۳۹,۱ میلیون دلار و واردات ۳۵۱,۲ میلیون دلار بوده است.

صادرات آذربایجان به ایران نسبت به سال قبل از آن ۶,۶ درصد و واردات از این کشور ۳۲ درصد افزایش یافته است و حجم مبادلات تجاری ایران و آذربایجان در مدت مشابه سال ۲۰۲۰ بالغ بر ۳۰۲,۸ میلیون دلار بوده است.(خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰)

همچنین در جدیدترین گزارش کمیته آمار دولتی جمهوری آذربایجان آمده است که حجم مبادلات تجاری این کشور با ۱۵۳ کشور خارجی در ماههای ژانویه الی مارس ۲۰۲۰ برابر با ۶,۷ میلیارد دلار بوده است. در این مدت محصولات آذربایجان به ۹۱ کشور صادر شده، در حالیکه این کشور از ۱۴۲ کشور کالا وارد کرده است.

در مدت مذکور ارزش کالاهای صادراتی آذربایجان ۴,۰۵ میلیارد دلار و کالاهای وارداتی ۲,۶۵ میلیارد دلار بوده است. بدین ترتیب می‌توان گفت سهم صادرات آذربایجان در تجارت خارجی در این دوره سه ماهه اول سال ۲۰۲۰ برابر با ۶۰,۶ درصد و واردات آن نیز ۳۹,۴ درصد بوده که در نتیجه تراز تجاری ۱,۴ میلیارد دلار مثبت به نفع آذربایجان شده است.بر اساس این گزارش ، در مقایسه با ماه‌های ژانویه تا مارس ۲۰۱۹ ، میزان واردات ۳۲,۹ درصد و صادرات ۴,۸ درصد کاهش داشته است.

علاوه بر این در ماههای ژانویه الی مارس ۲۰۲۰ میزان صادرات محصولات غیرنفتی آذربایجان در مقایسه با مدت مشابه سال قبل با ۳,۴ درصد رشد در قیمت های حقیقی و ۵,۲ درصد کاهش در قیمتهای واقعی به رقم ۴۲۹ میلیون دلار رسیده است. براساس اعلام کمیته دولتی گمرک آذربایجان، کشورهای ایتالیا ، ترکیه ، روسیه ، چین، ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل بیشترین سهم را در تجارت خارجی آذربایجان از آن خود کرده‌اند.

براساس اعلام کمیته دولتی گمرک آذربایجان، از مجموع صادرات این کشور به کشورهای خارجی به ترتیب ۴۳,۵ درصد از محصولات آذربایجان به ایتالیا ، ۸,۳ درصد به ترکیه ، ۶ درصد به اسرائیل ، ۴,۵ درصد به یونان ، ۴ درصد به هند ، ۳,۴ درصد به جمهوری چک ، ۳,۳ درصد به روسیه، ۲,۸ درصد به تونس و پرتغال ، ۲,۵ درصد به گرجستان ، ۲,۳ درصد به آلمان و اوکراین ، ۲,۱ درصد به ویتنام ، ۲ درصد به اتریش و ۱۰,۲ درصد به سایر کشورها صادر شده‌اند.

سهم واردات کشورها از آذربایجان در مدت مذکور نیز به ترتیب عبارتند از: روسیه ۱۶,۴ درصد ، ترکیه ۱۴,۸ درصد ، چین ۱۳,۴ درصد ، ایالات متحده ۱۰,۷ درصد ، آلمان ۵,۲ درصد ،

ایتالیا ۴,۵ درصد ، ایتالیا ۴,۵ درصد، اوکراین ۳,۸ درصد . ایران صفر درصد ، انگلیس ۲,۲ درصد، ژاپن و کره ۱,۸ درصد ، ترکمنستان ۱,۷ درصد ، فرانسه ۱,۵ درصد و بالاخره سهم سایر کشورها نیز ۱۹/۲ بود. همچنین این کمیته خاطر نشان می‌سازد در سال ۲۰۱۹ ، حجم تجارت خارجی آذربایجان بالغ بر ۳۳ میلیارد دلار گردید که سهم صادرات ۱۹,۴ میلیارد دلار و سهم واردات نیز ۱۳,۶ میلیارد دلار بود و در نتیجه تراز تجاری این کشور با جهان به میزان ۵,۸ میلیارد دلار مثبت به نفع آذربایجان بوده است.(بخش اقتصادی سفارت جمهوری اسلامی ایران – باکو،۱۳۹۹)

همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی

مردم جمهوری آذربایجان به دلیل پیشینه تاریخی و وابستگی به ج.ا.ایران، شباهت‌های زیادی از نظر فرهنگی و حتی شکلی به مردم کشورمان به ویژه اهالی استان‌های غربی و شمال دارند. نوع گویش، مذهب و رسومات مرسوم در بین اهالی آذربایجان نیز حاکی از این گرایش دارد. در حال حاضر خبرگزاری آذرتاج(ارگان رسمی دولت آذربایجان) دارای دفتر نمایندگی در تهران بوده و خبرگزاری ایرنا و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز در باکو دارای دفتر نمایندگی است. در سالهای گذشته دو بار رئیس سازمان صدا و سیمای ج.ا. ایران به باکو سفر کرده است. علاوه بر این برخی سریال‌های ساخته شده توسط شبکه‌های تلویزیون ج.ا.ایران مانند امام علی(ع)، یوسف پیامبر، ولایت عشق و حضرت مریم نیز از تلویزیون آذربایجان پخش شده‌اند. در حال حاضر نیز بیش از ۱۰۰۰ دانشجوی ایرانی در آذربایجان به تحصیل اشتغال دارند و هر ساله بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود. (مطالعات راهبردی، ۱۳۹۷،۶۱)

با وجود نزدیکی وقرابت فرهنگی بسیار زیاد، روابط دو کشور در این زمینه چشمگیر نبوده است که می‌توان علت آن را در چند عامل برشمرد.

– تبلیغات شدید مبتنی بر اندیشه پان ترکیسم که لزوم اتحاد ترک‌زبانان را مطرح می‌کند، همراه با ساختن تصویری خیالی از جمهوری اسلامی که با برتر انگاشتن فارس‌ها، حقوق ترک‌ها را پایمال کرده است.

– تکرار ایران شمالی(آذربایجان) و آذربایجان جنوبی(منطق شمال غربی ایران) از سوی مقامات کم اهمیت سیاسی و برخی از روشنفکران دو کشور، که این امر را به ایجاد فضای بی‌اعتمادی کمک بسیار زیادی نموده است.

- دو شکل متفاوت و حتی متضاد در ساخت سیاسی که یکی مبتنی بر هویت سکولار و دیگری شیفته هویت اسلامی است. با وجود شیعه بودن مردم آذربایجان، فرهنگ و آداب و رسوم غربی به شدت در حال افزایش است. در برخی کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان، نگاه ضد ایرانی مشهود است.

هرچند پس از استقلال آذربایجان با توجه به شیعه بودن مردم این کشور، گمان بسیاری بر سلطه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشور می‌رفت و هر چند همواره ایران منبع رهنمودهای دینی در این کشور به شمار می‌رفت، در رقابت با فرهنگ غربی، فرهنگ شیعی- ایرانی تاثیر و نفوذ چندانی به دست نیاورده است. (حسین‌پور، ۱۳۹۹: ۱۰۴)

چالش‌های موجود در روابط دو کشور

تفاوت دیدگاه دو کشور نسبت به امنیت منطقه

مرور سیاست‌های اعلامی دولت آذربایجان و اظهار نظرهای مقامات ارشد آذری در طی دو دهه اخیر حاکی از آن است که رویکرد امنیتی جمهوری آذربایجان به سمت رویکردهای غرب‌گرایانه سوق پیدا کرده است. جمهوری آذربایجان نیز همانند سایر جمهوری‌های قفقاز جنوبی از معظلات امنیتی متعددی رنج می‌برد. نگاهی به جهت‌گیری سیاست داخلی و خارجی جمهوری آذربایجان، نشان می‌دهد که این کشور مهم‌ترین مشکلات و تهدیدات امنیتی خود را تطویل و لاینحل ماندن مناقشه قره‌باغ، رشد اسلام‌گرایی در جمهوری آذربایجان، تحرکات وهابیون، اقدامات براندازی از سوی کشورهای خارجی، اقدامات جاسوسی ارمنستان، احتمال خرابکاری در خطوط لوله انتقال انرژی، اقدامات جدایی طلبانه گروه‌های مخالف، تلاش گروه‌های مخالف نظیر ایاز مطلب‌اف (اولین رئیس جمهور) و رسول قلی‌اف (رئیس پیشین پارلمان) برای بازگشت به قدرت، احتمال انقلاب رنگین نظیر انقلاب مخملی گرجستان، نارنجی اوکراین و لاله‌ای قرقیزستان توسط مخالفان و با حمایت آمریکا، تهدیدات امنیتی ترکمنستان در خزر بر سر چهار حوزه نفتی مشترک از جمله کپز یا سردار، لاینحل ماندن مشکلات مرزی با روسیه و گرجستان و همچنین افزایش حضور نظامی روسیه در ارمنستان می‌داند. با وجود این،

شکی نیست که مهم‌ترین مشکل امنیتی جمهوری آذربایجان، مناقشه قره‌باغ می‌باشد. (ولیقلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۵)

طی سال‌های گذشته، جمهوری آذربایجان کوشیده است همکاری‌های امنیتی و نظامی خود را با جامعه کشورهای مشترک‌المنافع و کشورهای منطقه کاعش داده و متقابلاً، همکاری‌های امنیتی و نظامی خود را با نهادهای نظامی – سیاسی غرب گسترش دهد. در واقع، جمهوری آذربایجان معتقد است امنیت این کشور زمانی تامین خواهد شد که با امنیت اروپا و غرب ادغام شود. تلاش‌های جمهوری آذربایجان برای پیوستن به ناتو و اتحادیه اروپا در این راستا صورت می‌گیرد. (ولیقلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۸۶)

ایران با هدف صلح و ثبات منطقه‌ای و تقویت روابط با کشورهای همجوار، سعی مستمری در رفع بحران‌های منطقه‌ای در پیرامون خود انجام می‌دهد و نقش موثر آن در برقراری صلح و ثبات در تاجیکستان در این زمینه قابل ذکر است. ایران در چارچوب دیدگاه امنیتی تنش زدایانه خود در مخالفت با هر گونه نفوذ خارجی در مناطق پیرامون خود به ویژه قفقاز، به تلاش دامنه داری برای تامین صلح و ثبات منطقه‌ای مبادرت نموده است. بی‌شک، ویژگی‌های جغرافیای سیاسی، همگونی قومی، توانایی اقتصادی و سیاسی ایران، قدرت ایران را برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه قفقاز بیشتر کرده است. (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۰۷)

ایران معتقد است که هر گونه تلاش برای نظامی کردن منطقه قفقاز، ایجاد بلوک‌بندی‌های نظامی و زمینه‌سازی برای دخال بیگانگان در منطقه قفقاز، نمی‌تواند امنیت پایدار را در این منطقه ایجاد کند. امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه برقرار شود. (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۰۸)

البته این سیاست و دیدگاه امنیتی تنش‌زدایانه ایران، موجب ناخرسندی برخی کشورهای غربی به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی شده است و آنها آشکارا تاکید کرده‌اند که فعال شدن ایران در قفقاز نمی‌تواند به برقراری صلح و ثبات در این منطقه کمک کند. قدرت‌های غربی می‌کوشند با استفاده از راه‌های مختلف نظیر ارائه چهره مخدوش از ایران، متهم کردن ایران به نقض حقوق اقلیت‌ها و افراط گرایی، نقض حقوق بشر، ترویج بنیادگرایی و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، حضور امنیتی ایران در قفقاز را خطرناک جلوه دهند و برای نفوذ در منطقه، بستر لازم را فراهم سازند. (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۱۰)

جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری آذربایجان با ایران

ایران و ارمنستان به دلیل همجواری ارتباطات و تعاملات نزدیک با هم دارند که جمهوری آذربایجان آن را به عنوان یک تهدید برای خود تلقی می‌کند و در نقطه مقابل نیز تعاملات نزدیک رژیم منحوس صهیونیستی با جمهوری آذربایجان به عنوان کشور همسایه شمالی جمهوری اسلامی ایران، تهدیدی از سوی سیاست‌گذارن این کشور قلمداد می‌شود.

دو موضوع اصلی شکل دهنده جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری آذربایجان عبارتند از مناقشه قره‌باغ به عنوان بحرانی برای این کشور و همچنین بهره‌برداری از منابع دریای خزر

موضوع قره‌باغ و پس گرفتن آن برای جمهوری آذربایجان یک اختلاف ارضی ساده و یا مسئله‌ای برای ارضای غرور ملی نیست، بلکه یک مسئله مهم امنیتی به شمار می‌رود. با اینکه در اوایل درگیری میان آذربایجان و ارمنستان، جمهوری اسلامی ایران از فضای گسترده‌ای برای اقدامات میانجیگری برخوردار بود، اما با روی کار آمدن ابوالفضل ایلچی بیگ و گرایش شدید به غرب و ترکیه و در نتیجه آن، حمایت از مواضع ارمنستان از طرف مسکو و نزدیکی تهران به گرایش اخیر و نیز تشکیل گروه مینسک از طرف شوروی امنیت و همکاری اروپا، جمهوری اسلامی را توان اثرگذاری بر بحران و طرفین آن به خصوص آذربایجان را از دست داد. (حسین‌پور، ۱۳۹۹: ۱۰۵)

جمهوری اسلامی ایران در راستای حل بحران قره‌باغ اقدامات زیادی را در حمایت از کشور جمهوری آذربایجان به انجام داده است به عنوان نمونه جمهوری اسلامی ایران سال‌ها از آوراگان این کشور حمایت و پشتیبانی کرده است.

دین و مذهب مشترک (تجانس مذهبی)

اسلام دین مشترک مردم جمهوری آذربایجان و ایران است. داشتن دین مشترک زمینه معنوی و فرهنگی مناسبی را برای نزدیکی روابط مردم دو کشور ایجاد می‌کند. مذهب در جمهوری آذربایجان در قرن‌های متمادی برای حیات عمومی الزام آور بوده است. از دوران قدیم تقریباً تمام جنگ‌ها، اصلاحات و فرآیندهای سیاسی زیر لوای مذهب به وقوع پیوسته است. این ویژگی در مورد ایران نیز صدق می‌کند. به شکلی که بسیاری از تحول‌های سیاسی و اجتماعی ایران هم در طول تاریخ متاثر از آموزه‌های اسلامی بوده است. تشیع مذهب اصلی مردم دو کشور به شمار

می‌رود. بعد از این، جمهوری آذربایجان بیشترین شیعه را در خود جای داده است، در واقع مذهب، عنصر اصلی پیوند جمهوری آذربایجان با ایران است. (عباسی و موسوی، ۱۳۹۲: ۶۷)

اما در شرایط کنونی شیعیان جمهوری آذربایجان در داخل از حمایت دولتی لازم برخوردار نیستند و حمایت خارجی چندانی هم از آنها به عمل نمی‌آید. روند فعلی دین‌گرایی شیعی در این کشور به گونه‌ای است که شرایط دشوار این مذهب باعث نابودی آن در کشور نمی‌شود ولی سبب می گردد، انقطاع صورت گرفته بین تفکر شیعی ایرانی با باورها و اعتقادات شیعیان آذربایجان روز به روز پر رنگ‌تر شده و شکاف عمیقی بین این دو ایجاد شود. از این روست که برخی بر این باورند، جریان شیعی جمهوری آذربایجان در حال یافتن هویت مستقل و متفاوت از ایران است. این مسئله در آینده باعث بروز اختلافات و تنش‌هایی بین این دو خواهد شد و قطعاً سبب خواهد گردید، حوزه نفوذ و دایره مشروعیت ایدئولوژی شیعی ایرانی در آذربایجان روز به روز کمتر گردد که هم تبعات منفی بر مذهب شیعه دارد و هم پیامدهای منفی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای دو ملت به دنبال خواهد داشت. (واحدی، ۱۳۸۶: ۵۵)

تجانس جمعیتی و اشتراکات تاریخی و فرهنگی

ایران و جمهوری آذربایجان پیشینه تاریخی مشترک حدود هزار ساله دارند و از این رو میراث تاریخی مشترک دارند. وجود شاعران و بزرگانی چون نظامی گنجوی، خاقانی شیروانی و اندیشمندان مسلمانی چون لنکرانی و نخجوانی و صدها نمونه دیگر خود دلایل محکمی بر وجود سابقه تاریخی دو ملت است. بعد از استقلال جمهوری آذربایجان و فروپاشی اتحاد شوروی ارتباط فرهنگی میان ایران و این جمهوری گسترش یافت. انتشار کتاب، برگزاری سمینارها و همایش‌های فرهنگی، تاسیس مراکز آموزشی – فرهنگی از جمله ابعاد روابط دو طرف در حوزه فرهنگی بوده است. (موسوی شهیدی و احمدی کروج، ۱۳۹۸: ۱۱۵)

آذربایجان پیوندهای تاریخی عمیقی با ایران دارد و زمانی بخشی از امپراطوری ایران بوده است. ایران تقریباً ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک با آذربایجان دارد که دو طرف مرز نیز جمعیت آذری زندگی می کنند. جالب آنکه تعداد آذری‌هایی که در ایران زندگی می کنند، بیشتر از تعداد آذری‌های آذربایجان است. (کریمی‌پور، ۱۳۸۱:۱۳۴)

اما نباید از نظر دور داشت که عامل تجانس جمعیتی، تبعات منفی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است. که یکی از مهمترین و مساله دارترین آنها مطرح شدن ایدهٔ « آذربایجان واحد و بزرگ» از سوی برخی دولتمردان آذربایجان بوده است. این کشور و یا جناح‌های ناسیونالیست قدرتمند آن، راه حل برطرف کردن بسیاری از تنگناهای خود را در تحقق آرمان « آذربایجان واحد و بزرگ» جستجو می‌کنند. از جمله، به گمان شونیست‌های آذری با تشکیل آذربایجان بزرگ می‌توان انتظار حل مشکلات و تنگناهای زیر داشت:

۱- حل مشکل ارتباطی یاکو – نخجوان.

۲- حل تنگنای ارتباطی با ترکیه و اروپا و بالعکس.

۳- دسترسی به کریدورهای مناسب برای انتقال انرژی حوزه‌های دریای خزر به اروپا.

۴- دسترسی به موقعیت مناسب جمعیتی و سرزمینی در قبال ارمنستان.

۵- دسترسی به موقعیت مناسب جمعیتی و سرزمینی در قبال تهدید روسیه.

۶- تبدیل شدن به ابر قدرت منطقه‌ای در قفقاز.

۷- موضع برتر و تعیین کننده در قضیه قره‌باغ. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲۶)

مطالعه و بررسی روابط بین دو کشور در سال‌های گذشته این ادعا را ثابت می‌کند که از عوامل تجانس جمعیتی و اشتراکات فرهنگی و تاریخی از طرف جمهوری آذربایجان، به خصوص در دوره حکومت ایلچی بیگ، به عنوان ابزار در جهت چالش ژئوپلتیک برای جمهوری اسلامی ایران و یک عامل واگرایی در روابط بین دو کشور، استفاده شده است. (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۲۴۰)

روابط ایران و ارمنستان

کشور ارمنستان که در طول دهه ۱۹۹۰ حاکمیت ملی و سرزمینی‌اش از طرف آذربایجان و همچنین ترکیه در خطر بود تلاش کرد با نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران موازنه‌ای در رقابت با آذربایجان ایجاد کند. (پوراحمدی میبدی و پدین، ۱۳۹۹: ۱۲۴)

بحث پیرامون رابطه ایران و ارمنستان از این جهت حائز اهمیت است که چگونگی و کیفیت این رابطه به عنوان متغییر منفی در روابط جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران نگریسته می‌شود. به دلیل وجود مناقشه قره‌باغ و درگیری بین دو کشور ارمنستان و جمهوری آذربایجان، رابطه دو کشور ایران و ارمنستان در کانون توجهات مقامات آذری قرار دارد و مقامات آذربایجانی

به هرگونه قرار داد همکاری ایران با ارمنستان حساس بوده و ایران را به روابط صمیمانه با دشمن جمهوری آذربایجان (ارمنستان) متهم می‌کنند. (سایت ایراس: ۹۰/۲/۴)

بتابراین حکومت آذربایجان به طور گسترده‌ای اعتقاد دارد که ارمنستان نمی‌توانست بدون کمک‌ها و روابط اقتصادی با ایران سختی‌ها و بحران‌های سال‌های ۱۹۹۱تا ۱۹۹۳ را تحمل کند. به عنوان مثال در آوریل ۱۹۹۲ در یکی از حساسترین زمان‌های درگیری جمهوری آذربایجان و ارمنستان، ایران موافقت کرد گاز طبیعی و سوخت به ارمنستان عرضه کند و پیوندهای حمل و نقلی‌اش را با ارمنستان بهبود ببخشد. از این رو مقامات آذربایجان معتقد بودند که بدون دریچه‌ی ایران، ارمنستان مطمئناً در جنگ با آنها نمی‌توانست موجودیت خود را حفظ کند. (پوراحمدی میبدی و پدین، ۱۳۹۹: ۱۲۴)

تعیین رژیم حقوقی دریای خزر

یکی از مهمترین موضوعاتی که همیشه باعث تنش و اختلاف میان ج.ا .ایران و آذربایجان شده مسئله‌ی تعیین حقوقی دریای خزر است. رژیم حقوقی این دریا یکی از مهم‌ترین مسائل دریای خزر است که پس از فروپاشی شوروی، ظهور و بروز بیشتری پیدا کرد. مهم ترین عامل اختلاف بین ایران و آذربایجان به دلیل وجود منابع عظیم انرژی این دریا است، به دلیل آنکه بیش از ۹۰ درصد کل ذخایر نفت و گاز آذربایجان در سواحل و در داخل دریای خزر قرار دارد.

ج.ا .ایران در نامه ای به دبیر کل سابق سازمان ملل، کوفی عنان در سال ۱۹۹۷ به استخراج یکجانبه دریای خزر به وسیله ی آذربایجان اعتراض کرد، با توجه به اینکه ایران اعتقاد دارد که منابع دریای خزر متعلق به همه‌ی کشورهای دریای خزر است. حکومت ج.ا .ایران به دنبال آن است که ۲۰ درصد دریای خزر را به جای ۱۲ درصد کنترل کند .به عبارت دیگر ایران می‌خواهد این منطقه را به ۵ قسمت مساوی تقسیم کند. برجسته‌ترین اختلاف بین ایران و آذربایجان در مورد بلوک‌های هیدروکربن آراز۱ ، آلوو ۲ و شارگ۳ ناحیه ای با مساحت ۱۴۰۰ کیلومتر مربع و با حدود ۷۰۰ میلیارد متر مکعب گاز است. آذربایجان این میدان را کنترل می‌کند

1. Araz
2. Alov
3. Sharg

که ایرانیان به آن البرز می گویند. حکومت ج.ا.ایران ادعا دارد که میدان آلوو که در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شرقی باکو قرار دارد، بخشی از سرزمین آبی ایران است. (پوراحمدی میبدی و پدین، ۱۳۹۹: ۱۲۵)

روابط جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی

روابط اسرائیل با آذربایجان اهمیت بسیاری دارد، آذربایجان یک کشور مهم استراتژیک، دارای منابع غنی و مسلمان شیعه است. به عنوان یک کشور ساحلی خزر، این امکان را دارد که یک صادر کننده عمده هیدروکربن باشد. از سوی دیگر آذربایجان به دلیل تجربه عصر شوروی، با اینکه یک کشور مسلمان شیعه محسوب می‌شود، امروزه از نظر سیاسی یک کشور مسلمان سکولار است. لذا سیاستگذاران اسرائیلی بسیاری مشتاق‌اند تا این استنباط را که اسرائیل به طور ذاتی یک کشور ضد مسلمان است، از بین ببرند و برای توسعه روابط با کشورهای مسلمان میانه رو ارزش بسیاری قائل‌اند. (طهماسبی‌نسب، ۱۳۹۶: ۸۴)

اسرائیل یکی از کشورهایی که در دهه های اخیر تلاش کرده در آن حضور داشته باشد تا به وسیله‌ی آن از یک‌طرف منافع اقتصادی خود را تأمین کند و از طرف دیگر بر ج.ا.ایران فشار آورد، آذربایجان بوده است. حاکمیت باکو نیز از توسعه‌ی روابط با تل‌آویو حمایت می‌کند. آذربایجان سومین کشور مسلمانی بود که بعد از مصر و ترکیه روابط اقتصادی و استراتژیک دوجانبه اش را با اسرائیل ایجاد کرد. باید توجه داشت که اسرائیل منابع نفتی قابل توجهی ندارد و به طور کامل به واردات نفت وابسته است. مسیر باکو -تفلیس -جیهان برای نفت آذربایجان، همچنین سود بازرگانی محسوسی برای اسرائیل ایجاد کرده است، به خصوص از زمانی که بازار نفت خلیج فارس تحت سلطه ی تولیدکنندگان ضداسرائیلی به ویژه ایران قرار گرفت. (پوراحمدی میبدی و پدین، ۱۳۹۹: ۱۲۶)

بنابراین از دلایل اصلی ایجاد و تقویت روابط بین رژیم منحوس صهیونیستی و کشور جمهوری آذربایجان، هم مرز بودن با جمهوری اسلام ایران(مهم برای رژیم صهیونیستی) و ایجاد موازنه با ارمنستان (مهم برای آذربایجان) می‌باشد.

روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا

یکی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای که نقش مهمی در تکوین روابط ایران و جمهوری آذربایجان دارد، ایالات متحده آمریکاست. به طور قطعه هژمونی آمریکا می‌طلبد که این کشور در تمامی مناطق به عنوان یک قدرت مداخله‌گر، به طور فعالانه ایفای نقش کند. بنابراین منطقه قفقاز نیز از این حیث بی‌نصیب نمانده است. در میان کشورهای فرامنطقه‌ای که چشم به منطقه قفقاز دوخته بودند، ایالات متحده مهم‌ترین مورد به شمار می‌رود. ایالات متحده با بهره‌گیری از طرح‌های اقتصادی گسترده که بیشتر مربوط به عملیات استخراج و ترانزیت نفت و انرژی جمهوری آذربایجان می‌شود، نفوذ خزنده خود را در این منطقه آغاز کرد. جمهوری آذربایجان نیز در میان کشورهای قفقاز به خاط موقعیت ویژه راهبردی و مهم‌تر از همه به خاطر ذخائر نفتی‌اش مورد توجه شرکت‌های نفتی بزرگ آمریکا و غرب قرار گرفت. (کارآزما، ۱۳۹۱: ۱۳۵)

از سال۱۹۹۴، آذربایجان سرزمین ایران را به عنوان یکی از مسیرهای صادرات نفتش ملاحظه کرد .مسیر ایران می‌توانست مزیت مهمی را ارائه کند که جایگزین دیگری نداشت. هزینه‌ی ساخت آن پایین بود، موقعیت سیاسی باثباتی در کشور حکمفرما بود، نیازی به سرمایه گذاری در زیربناسازی نفت به صورت ناچیز داشت و پایانه نفتی کاملی بر روی خلیج فارس داشت. این‌ها از جمله موضوعاتی بودند که تا بهار ۱۹۹۵ مورد بحث قرار گرفتند. اما از این زمان واشینگتن، باکو را مجبور به کنسل کردن قرارداد با شرکت نفت ایران در کنسرسیوم نفت بین المللی کرد. از مسائل دیگری که باعث تیرگی روابط ایران و آذربایجان در سال های اخیر شده، حضور سربازان امریکایی و سپر دفاعی امریکا در این کشور بوده است. در سال ۲۰۰۳ اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه سربازان امریکایی در خاک آذربایجان استقرار پیدا کردند. (پوراحمدی میبدی و پدین، ۱۳۹۹: ۱۳۰)

همکاری و نزدیکی آذربایجان با ناتو

تجربه گذشته نشان می‌دهد که همکاری‌های دو جانبه با سازمان‌هایی که اساس آنها بر تامین منافع قدرت‌های سلطه‌گر بنیاد شده است، به نفع کشورهایی که می‌خواهند مستقل بمانند نیست. بر این اساس ایران ضمن احترام به تصمیم‌هایی که دولت جمهوری آذربایجان درباره همکاری با هر کشور یا سازمان دیگر می‌گیرد، نمی‌تواند از بیان دیدگاه‌های دوستانه خود که بر اساس منطق

دوستی و همسایگی و سرنوشت مشترک است، خودداری کند. ناتو در قفقاز به دنبال توسعه نفوذ و سلطه‌گری است. بنابراین همکاری ناتو با جمهوری آذربایجان نمی‌تواند در چهارچوب همکـاری، متقابلاً سودمند تعریف شود. ایران مایل نیست نگرانی خود را از باز شدن پای ناتو بـه منطقـه قفقـاز مخفی کند.(بشیری لحاقی، ۱۳۹۶: ۸۷)

پیشینه پژوهش

جدول ۲. پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده و تاریخ	روش پژوهش	نتایج پژوهش
۱	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان	سید محمد موسوی و همکاران	توصیفی- تحلیلی با ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی	در رفتار سیاست خارجی ایران و آذربایجان عناصری از بی‌اعتمادی و سوءظن نسبت به اهداف طرف مقابل وجود دارد که عمده این نگرش از نگاه تاریخی منفی دو طرف نسبت به یکدیگر ناشی می‌شود.
۲	دیپلماسی عمومی و سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران در روابط با جمهوری آذربایجان؛ ظرفیت‌ها، موانع و راهکارها	مهدی حسینی و شیوا علی‌زاده- ۱۳۹۸	روش توصیفی – تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی	جمهوری اسلامی ایران تمامیت ارضی و استقلال جمهوری آذربایجان را هم در کلام و هم در عمل به رسمیت شناخته است بنابراین جا دارد که برخی قالبهای پوسیده و چارچوب‌های تاریخ مصرف گذشته در نگرش‌ها به ایران که میراث شوروی دراین کشور است تغییر یابد و اراده‌های جدی در جهت شکوفایی ظرفیت‌های انبوه در مناسبات طرفین در خدمت به منافع دو کشور بکار گرفته شود و ایران نیز در این بین ضرورت دارد که با استفاده از تمامی امکانات در جهت تصحیح نگرش مردم جمهوری آذربایجان به همسایه هم‌فرهنگ و نزدیکشان تلاش کند.
۳	بررسی و اولویت بندی عوامل واگرای اثر گذار در روابط ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی	شهناز بازدار و دیگران-۱۳۹۵	بصورت ترکیبی، یعنی توصیفی – تحلیلی و پیمایشی و با بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای و میدانی از طریق پرسشنامه	در نتایج حاصل از پژوهش حاضر، مجموعا یازده عامل واگرا شناسایی شده در اولویت بندی آنها در زمینه‌ی ایجاد تنش نیز عامل تعارضات ایدئولوژیک به عنوان مهمترین عامل واگرا بین ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی در اولویت اول قرار گرفته است.

جدول ۲. پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده و تاریخ	روش پژوهش	نتایج پژوهش
۴	همگرایی منطقه ای قفقاز جنوبی :موانع و چالشها از منظر جمهوری اسلامی	جمشید ثریا- ۱۳۸۹	توصیفی – تحلیلی با روش گردآوری کتابخانه‌ای و اسنادی	با توجه به مطالب پژوهش حاضر، قانون اساسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نسبت به همگرایی در قفقاز جنوبی، مثبت بوده و بر عکس جمهوری اسلامی ایران مخالف واگرایی در این منطقه می‌باشد.
۵	روابط آذربایجان و ایران: چالش‌ها و چشم اندازها	نصیبی		نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تضاد اصلی جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران ماهیت اساسی دارد: برای حل مسئله بین این دو کشور، یا باید جمهوری آذربایجان وارد مدار سیاسی ایران شود و طرفدار تشکیل دهد یا ایران باید شخصیت رژیم خود را تغییر دهد و به حقوق قومیتی مردم غیرفارس احترام بگذارد
۶	تاثیر منافع ملی ایران بر روابط ایران و آذربایجان در سده بیست و یکم	مهدی علیخانی، حسین کریمی خرقانی.		در بررسی این پژوهش این نتیجه حاصل می‌شود که علی‌رغم ویژگی های همگرایی بسیاری (دین و مذهب مشترک، اشتراکات تاریخی و فرهنگی،وجود پتانسیل های مناسب برای همکاری و ...) که در روابط دو کشور وجودارد و علی‌رغم تلاش برای بسط روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی با این کشور، علل مختلف گفته شده باعث شده است تا دو کشور نتوانند آن طور که باید از ظرفیت‌های موجود برای همکاری استفاده کنند و روابط طرفین سرد باقی مانده است.
۷	سیاست خارجی آذربایجان: بین شرق و غرب	وکیلی، جانری ۲۰۱۳	توصیفی – تحلیلی با استفاده از اطلاعات اسنادی	آذربایجان می‌خواهد تا سیاست خارجی خود را متنوع نگه دارد. با توجه به جذابیتهای رقابتی در جمهوری آذربایجان از موضع ژئوپلتیکی و انرژی برای کشورهای بیگانه، این کشورعلاقه به حفظ یک موازنه خوب در چنین رقابتی دارد، بنابراین از کشیده شدن به مدار یکی از قدرت‌های بزرگ و پیگیری یک سیاست خارجی مستقل اجتناب می‌کند.
۸	بررسی سیاسی و توسعه روابط اقتصادی،	لطفی، گل‌محمدی وصمدی	توصیفی – تجربی (آماری)	در بررسی این پژوهش به این نتیجه می رسیم که با وجود ویژگی های همگرایی فراوان از جمله مذهب مشترک و تاریخ و فرهنگ مشترک، پتانسیل همکاری در روابط دو

جدول ۲. پیشینه داخلی و خارجی تحقیق

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده و تاریخ	روش پژوهش	نتایج پژوهش
	ظرفیت‌های همکاری اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان			کشور وجود دارد و علیرغم تلاش ها برای توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی، عوامل مختلفی موجب شده است، دو کشور نتوانند از ظرفیت های موجود برای همکاری استفاده کنند و روابط متقابل سرد باقی بماند.
۹	تعارض در رویکردهای استراتژیک قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه ای به مسائل امنیتی قفقاز جنوبی	زهرا پیشگاهی فرد و موسوی فر–۱۳۹۰	روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و بررسی اسناد و مدارک	از آنجا یی که این قدرت‌ها تلاش می کنند که تمام توان استراتژیک خود را برای دستیابی به منافع موجود در قفقاز جنوبی، بدون توجه به نیازها و نگرانی های امنیتی دیگر قدرت ها و کشورهای منطقه به‌کار گیرند ، درنتیجه ما به جای اینکه شاهد شکل‌گیری امنیت‌پایدار در صحنه‌ی سیاسی قفقاز جنوبی و ارائه ی یک مدل امنیتی جامع و همه جانبه باشیم، شاهد تشدید تهدیدهای امنیتی در منطقه مذکور هستیم .
۱۰	فرصت‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز	جوادحیدری– ۱۳۹۵		منطقه قفقاز از آن جهت که حوزه نفوذ تمدن ایران باستان است مورد بررسی قرار گرفته و به دنبال ایجاد راه‌کارهایی برای بهره‌برداری از این موضوع است.
۱۱	تأثیر روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل بر امنیت ملی ایران	علی امیدی و مصطفی خیری– ۱۳۹۵	توصیفی–تحلیلی با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی	با توجه به سیاست اتکا به قدرت هژمون از سوی کشورهای قفقاز، این احتمال وجود دارد که با حضور هرچه بیشتر اسرائیل در جمهوری آذربایجان، زمینه مساعدتری برای کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز و آذربایجان فراهم شود .برای مقابله با این مسئله، نیاز است جمهوری اسلامی ایران نگاه واقعبینانه‌ای به مسائل جمهوری آذربایجان داشته باشد و در راستای افزایش اعتماد متقابل بین تهران و باکو تلاش کند.

با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش سناریوهای آینده فرصت‌های توسعه سیاسی و اجتماعی دو کشور همسایه می‌باشد و این امر مستلزم بررسی شاخص‌های این دو مولفه در ادوار مختلف روابط دو کشور می‌باشد و به اصطلاح نیازمند یک نگاه دقیق‌تر و کامل‌تری به موضوع پژوهش دارد، بنابراین در بررسی پیشینه این پژوهش در حد وسع نویسندگان این نتیجه حاصل شد

که هر یک از پژوهش‌های فوق به بررسی بخشی از این عنوان پرداخته‌اند و در واقع هر یک از پژوهش‌های فوق متناسب با موضوع در محدوه زمانی آن به بررسی و پژوهش پرداخته‌اند، لیکن برخی از پژوهش‌ها چندین سال از زمان نگارش آنها گذشته وبه نظر می‌رسد در خصوص موارد ومناسبات و پیمان های جدید و آنچه طی مدت اخیر در این حوزه رخ داده، پژوهش و تالیف علمی به روزی موجود نیست و یا در مرحله تالیف می‌باشد. و این در حالی است که این منطقه با توجه به جذابیت‌های فراوان برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای(علی الخصوص قدرت‌های که با جمهوری اسلامی ایران در دشمنی تمام عیار هستند) دستخوش تغییر و تحول می‌باشد. اما این پژوهش در نظر دارد از منظر کلان و راهبردی به قصد بررسی وضعیت آینده دو مولفه سیاسی و اجتماعی به موضوع بپردازد.

چهارچوب نظری

تعاریف متعددی از سناریونویسی در آینده پژوهی انجام شده است که اغلب آن ها نزدیک به هم هستند .در تعریف شرکت شل، سناریو داستانی است که آینده های موجه را توصیف و رخدادهای مهم و بازیگران اصلی را شناسایی کرده و نشان می دهد که چه واکنش هایی در عمل می تواند اتفاق بیفت. (حاجیانی و قصاع، ۱۳۹۲، ۴۵) به نظر گلن و گوردون سناریو داستانی است که رویدادهای آینده را با استفاده از روابط علی و منطقی به رویدادهای جهان امروز پیوند می زند .در سراسر این داستان، تصمیم ها و رویدادهای و پیامدهای مهم آن ها به تصویر کشیده می شود .سناریو مهارت اندیشیدن به آینده و قدرت تجسم و ابداع آینده های بدیل و مرجح را برای ما به ارمغان می آورد. (گلن و گوردن، ۱۳۹۱، ۶)

به نظر وایمر، روش های تحلیل اثر متقاطع ابزارهای استاندارد سناریونویسی هستند .آن ها تعدادی از فرایندهای ساختاری را برای کاهش تحولات باورپذیر آینده در شکل سناریوهای سخت و بر اساس قضاوت خبرگان در مورد تعاملات نظام مند فراهم م یآورند .رو شهای تحلیل اثر متقاطع معمولاً برای کارهای تحلیلی استفاده می شوند که اجازه استفاده از مدل های محاسباتی مبتنی بر تئوری را به دلیل ناهمگنی انضباطی و ارتباط دانش سیستم "نرم" نمی‌دهد، اما از سوی دیگر برای تحلیل های سیستم کاملاً تحلیلی بیش از اندازه پیچیده هستند(-weimer

jehle- 2006- 334) ساختن سناریوها اغلب نیازمند بررسی تحولات در بسیاری از زمینه های مختلف (به عنوان نمونه، پیشرفت های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا فنّاورانه) است

یکی از منظم‌ترین و منسجم‌ترین سناریونگاریها در مدتی طولانی، توسط شرکت شل انجام شد ومتفکران این مجموعه و به‌ویژه پیتر شوارتز نقش مهمی در تبیین و توصیف فرایندی این روش داشته‌اند. بر اساس این روایت از فرایند سناریونگاری که کاربردی گسترده و چارچوبی مدون دارد، گام های پیاپی آفرینش مجموعهای از سناریوها به شرح زیراست:

۱. شناسایی مقاصد و تصمیمهایی که سناریوها برای اتخاذ آنها ساخته می شوند. به بیان دیگرباید انتظارات اصلی ذینفعان از فرایند سناریونگاری تدوین شود ؛

- فهرست کردن عوامل کلیدی موجود در محیط بیرونی احتمالاً مؤثر بر این تصمیم و نیروهای پیشران کلیدی احتمالاً مؤثربراین عوامل؛

- اولویت‌بندی و مرتب کردن عوامل و نیروهای پیشران کلیدی بر پایه درجه اهمیت آنها در موفقیت تصمیمها ودرجهٔ عدم قطعیت آنها؛

۲. تمیز و تفکیک حالات چندگانه ومتفاوت بر حسب مهمترین نیروهای پیشران و عدم قطعیت‌ها؛

۳. آغاز تعریف وضعیت و نتایج هر حالت در قالب یک داستان و تدوین سناریوها براساس «منطق سناریو» توسط اعضای گروه؛

۴. ارزیابی و تعیین میزان باورپذیری هر سناریو؛

۵. انتخاب نام یا استعارهای برای هر سناریو؛

۶. آزمون گزینه‌های سیاستگذاری (تصمیم‌ها) در مقابل سناریوها؛

۷. در صورت لزوم، شناسایی وانتخاب شاخص‌های راهنما. (حاجیانی و قصاع، ۱۳۹۲، ۵۱)

روش شناسی تحقیق

در این پژوهش از بین روش‌های مختلفی سناریونویسی از روش شوارتز استفاده شده است. این روش شامل هشت گام می باشد. در گام اول؛ عوامل کلیدی موضوع بر اساس اسناد موجود شامل اسناد کتابخانه‌ای(کتاب،مقاله،پایان‌نامه)، سایت‌های مرتبط و... استخراج گردید. در گام دوم ،

عوامل کلیدی تدقیق و تعداد ۳۸ مورد عامل کلیدی برای اخذ نظرات خبرگان آماده شد. در گام سوم این عوامل برای تدقیق شدن قبل از ارائه به خبرگان، توسط کارشناس ارشد این حوزه مورد بررسی مجدد قرار گرفت و عوامل در۲۰ مورد تدقیق شده و آماده ارائه به خبرگان جهت اخذ نظراتشان شد. در گام چهارم در این مرحله عوامل کلیدی (۲۰ مورد) در جدول مربوطه تنظیم و جهت نظر سنجی به ۱۲ نفر خبره در حوزه مربوطه ارائه شد (۱- حضوری و به صورت مصاحبه‌ای ۲- ارسال و دریافت ۳- تماس تلفنی)، در گام پنجم؛ در دو ستون مجموع قطعت‌ها (مهم و غیر مهم) و مجموع عدم قطعیت‌های مهم ارائه گردید. در گام ششم بعد از تقلیل عدم قطعیت‌های مهم به سه مورد، تمامی حالت‌های عوامل کلیدی با استفاده از نظر خبرگان این حوزه ، نوشته شد. در گام هفتم در این مرحله حالت‌های مختلف عدم قطعیت‌های مهم در هم ضرب و حالت‌های که با هم تناقض داشتند، حذف شدند و به ترتیب قطعیتهای مهم و غیر مهم پشت نویسی شد. در گام هشتم بعد از بررسی پشت کارت‌ها و حذف هشت مورد از آنها به دلیل وجود تناقض در عوامل کلیدی، چهار مورد باقیمانده را برای نوشتن روی کارت و در واقع سناریو مربوطه با توجه به سوال اصلی پژوهش، آماده ارائه به خبره کرده و سناریوهای مربوطه با مشورت خبرگان نوشته شد.

جامعه آماری این تحقیق تعداد ۱۲ نفر از کارشناسان موضوع روابط منطقه‌ای و آشنا به مسائل حوزه قفقاز هستند که عمده این افراد دارای مدرک تحصیلی دکتری بوده ودر چندن مرحله از جمله سه مرتبه در دلفی و سه مرتبه در سناریو به صورت پانل خبرگانی و مصاحبه‌های نیمه ساختارمند به این افراد مراجعه شده است.

ردیف	عوامل کلیدی	منابع
۱	دین و مذهب مشترک	پایان نامه (کارآزما،۱۳۹۱: ۷۳)
۲	اشتراکات تاریخی و فرهنگی	پایان نامه (کارآزما،۱۳۹۱: ۹۲)
۳	عامل همسایگی و همجواری	پایان نامه (کارآزما،۱۳۹۱: ۹۵)
٤	رژیم حقوقی دریای خزر	پایان نامه (کارآزما،۱۳۹۱: ۱۱۳)
٥	آرمان آذربایجان بزرگ(پان ترکیسم)	پایان نامه (کارآزما،۱۳۹۱: ۱۵۵)
٦	ارتباط با ناتو	پایان نامه (کارآزما،۱۳۹۱: ۹۸)
۷	روابط با آمریکا	پایان نامه (فرخی،۱۳۸۹: ۵۵)
۸	روابط با اسرائیل	پایان نامه (فرخی،۱۳۸۹: ۷۱)
۹	تجانس جمعیتی	پایان نامه (کارآزما،۱۳۹۱: ۹۱)

ردیف	عوامل کلیدی	منابع
۱۰	مناقشه قره‌باغ	پایان نامه (کارآزما،۱۳۹۱: ۱۲۳)
۱۱	نفوذاسرائیل	کتاب (نوری،۱۳۹۵: ۱۰۵)
۱۲	روابط با ترکیه	پایان نامه (فرخی،۱۳۸۹: ۹۰)
۱۳	شیعیان	کتاب (رضایی و همکاران،۱۳۹۴: ۲۵)
۱۴	اختلافات مرزی(بیشتر مرز آبی مد نظر است)	مقاله(بازدار و همکاران،۱۳۹۵: ۱۵۹)
۱۵	نظام سکولار حاکم بر آذربایجان	مقاله(بازدار و همکاران،۱۳۹۵: ۱۶۱)
۱۶	تمرکز گرایی قدرت در حکومت آذربایجان	مقاله(بازدار و همکاران،۱۳۹۵: ۱۶۲)
۱۷	منابع و ذخائر مشترک	مقاله(بازدار و همکاران،۱۳۹۵: ۱۶۳)
۱۸	تبادل تجاری مرزنشینان	مقاله(مومنی وهمکاران، ۱۳۹۲: ۸۷)
۱۹	تاکید ایران بر اسلام و دین در روابط با کشورهای همسایه	مقاله(حسین‌پور،۱۳۹۹: ۱۰۸)
۲۰	گرایش غرب گرایانه جمهوری آذربایجان	مقاله(حسین‌پور،۱۳۹۹: ۱۰۸)
۲۱	نگاه درون منطقه‌ای ایران و برون منطقه‌ای آذربایجان در حوزه امنیت	مقاله(حسین‌پور،۱۳۹۹: ۱۰۸)
۲۲	نگاه تاریخی منفی دو کشور به همدیگر	مقاله(موسوی وهمکاران،۱۳۹۲: ۱۸)
۲۳	نگاه آذربایجان ملی در تفکر حکومت آذربایجان	مقاله(شیاری و همکاران،۱۳۹۵: ۲۱۲)
۲۴	نگاه واگرایی سیاست خارجی آذربایجان به کشورهای منطقه از جمله ایران	مقاله(ثریا،۱۳۸۹: ۲۵)
۲۵	رابطه ایران با ارمنستان	مقاله (علیخانی و خرقانی ، ۱۳۹۷)
۲۶	تصویب قانون جدایی دین از سیاست در آذربایجان	مقاله (علیخانی و خرقانی ، ۱۳۹۷)
۲۷	سرکوب فعالان اسلامی در آذربایجان به جرم جاسوسی و ارتباط با ایران	مقاله (علیخانی و خرقانی ، ۱۳۹۷)
۲۸	تامین آزادی عمل بیشتر برای گروههای پان ترکیسم در آذربایجان	مقاله (علیخانی و خرقانی ، ۱۳۹۷)
۲۹	انجام تبلیغات منفی در رسانه‌های گروهی دولتی و غیر دولتی آذربایجان بر علیه ایران	مقاله (علیخانی و خرقانی ، ۱۳۹۷)

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش براساس روش سناریونویسی پیتر شوارتز، در گام اول با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در منابع کتابخانه‌ای و تطبیق این اطلاعات با داده‌های صاحب‌نظران و خبرگان حوزه پژوهش حاضر، ۲۹ عامل به عنوان عوامل کلیدی و تاثیر گذار(قطعی و غیرقطعی) در روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان استخراج گردید.

درگام دوم، بعد از استخراج عوامل کلیدی موضوع مورد بررسی (به صورت کلی توسط پژوهشگر)، این عوامل برای دقیق شدن قبل از ارائه به خبرگان (جهت کسب نظر)، توسط کارشناس این حوزه مورد بررسی مجدد قرار گرفت و عوامل در ۲۰ مورد (در دو بعد و پنج مولفه) مطابق جدول زیر آماده ارائه به خبرگان جهت اخذ نظراتشان شد.

ردیف	عوامل کلیدی		
۱	عوامل داخلی	سیاسی	هم مرز بودن دو کشور- رژیم حقوقی دریای خزر و و امنیتی کردن دریای خزر توسط آذربایجان – روابط آذربایجان با ترکیه –حاکمیت نظام سکولار در آذربایجان- رابطه ایران با ارمنستان - سرکوب فعالان اسلامی در آذربایجان به جرم جاسوسی و ارتباط با ایران - انجام تبلیغات منفی در رسانه‌های گروهی دولتی و غیر دولتی آذربایجان بر علیه ایران
		اقتصادی	تبادل تجاری مرزنشینان
		فرهنگی – اجتماعی	اشتراکات تاریخی و فرهنگی- فعالیت آزادانه بهائیان - زبان مشترک.
		مذهبی	مواضع شیعیان آذربایجان نسبت به جمهوری اسلامی ایران
		امنیتی	تفاوت نگاه دو کشور به نحوه برقراری امنیت در منطقه - تامین آزادی عمل بیشتر برای گروههای پان ترکیسم در آذربایجان.
۲	عوامل خارجی	سیاسی	گرایش غرب گرایانه حاکمان جمهوری آذربایجان –روابط ایران با ارمنستان.
		اقتصادی	نگاه منفعت‌گرایانه و اقتصادی غرب به آذربایجان(نفت و گاز، شاه راه اقتصادی)
		فرهنگی- اجتماعی	
		امنیتی	روابط با رژیم صهیونیستی – روابط رو به گسترش با آمریکا - ایجاد پایگاه‌های نظامی توسط آمریکا و اسرائیل در کشور آذربایجان - فروش زمین‌های کشاورزی به یهودیان در مرز با ایران جهت بهربرداری امنیتی اعم از کار گذاشتن دستگاههای شنود و رادار، خرید تسلیحات نظامی جدید و پیشرفته

در مرحله سوم، عوامل کلیدی (۲۰ مورد) در جدول مربوطه تنظیم و جهت نظر سنجی به ۱۲ نفر خبره در حوزه مربوطه ارائه شد (۱- حضوری و به صورت مصاحبه‌ای ۲- ارسال و دریافت ۳- تماس تلفنی)، که براساس جدول (ضمیمه) نتایج جمع‌بندی شد. در گام چهارم از نتایج پرسشنامه‌ها براساس میزان تاثیر و جهت روند هر یک از عوامل کلیدی موثر بر موضوع اصلی، با توجه به نظرات خبرگان که در مرحله قبلی اخذ شده بود، خروجی گرفتیم و در مرحله پنجم، بر اساس، خروجی مرحله قبل را در دو ستون مجموع قطعت‌ها (مهم و غیر مهم) و مجموع عدم قطعیت‌های مهم مطابق جدول زیر تنظیم کردیم.

مجموع قطعت‌ها (مهم و غیر مهم)	مجموع عدم قطعیت‌های مهم
۱- هم مرز بودن ۲- رژیم حقوقی دریای خزر و و امنیتی کردن دریای خزر توسط آذربایجان ۳- روابط آذربایجان با ترکیه ۴- حاکمیت نظام سکولار در آذربایجان ۵- رابطه ایران با ارمنستان ۶- سرکوب فعالان اسلامی در آذربایجان به جرم جاسوسی و ارتباط با ایران ۷- تبادل تجاری مرزنشینان ۸- فعالیت آزادانه بهائیان ۹- تفاوت نگاه دو کشور به نحوه برقراری امنیت در منطقه ۱۰- تامین آزادی عمل بیشتر برای گروههای پان ترکیسم در آذربایجان ۱۱- گرایش غرب گرایانه حاکمان جمهوری آذربایجان ۱۲- نگاه منفعت‌گرایانه و اقتصادی غرب به آذربایجان(نفت و گاز، شاه راه اقتصادی) ۱۳- روابط رو به گسترش با رژیم صهیونیستی ۱۴- روابط رو به گسترش با آمریکا ۱۵- ایجاد پایگاه‌های نظامی توسط آمریکا و اسرائیل در کشور آذربایجان ۱۶- فروش زمین‌های کشاورزی به یهودیان در مرز با ایران جهت بهره‌برداری امنیتی اعم از کار گذاشتن دستگاههای شنود و رادار، خرید تسلیحات نظامی جدید و پیشرفته	۱- انجام تبلیغات منفی در رسانه‌های گروهی دولتی و غیر دولتی آذربایجان بر علیه ایران ۲- اشتراکات تاریخی و فرهنگی ۳- زبان مشترک ۴- مواضع شیعیان آذربایجان نسبت به جمهوری اسلامی ایران ♦♦♦با بررسی علت العلل عوامل فوق و با نگاهی به تقسیم‌بندی ابتدایی این عوامل در جدول ابتدایی(دو بعد و پنج مولفه) به این نتیجه می‌رسیم که جنس عامل دوم و سوم یکی است، پس مجموع عدم قطعیت‌های مهم به سه مورد تقلیل پیدا می‌کند. پس ۱- انجام تبلیغات منفی در رسانه‌های گروهی دولتی و غیر دولتی آذربایجان بر علیه ایران ۲- اشتراکات تاریخی و فرهنگی ۳- مواضع شیعیان آذربایجان نسبت به جمهوری اسلامی ایران

در مرحله ششم، بعد از تقلیل عدم قطعیت‌های مهم به سه مورد ، تمامی حالت‌های این عوامل کلیدی را با استفاده از نظر خبرگان این حوزه ، می‌نویسیم.

ردیف	عدم قطعیت‌های مهم	حالت‌های عدم قطعیت‌های مهم
۱	انجام تبلیغات منفی در رسانه‌های گروهی دولتی و غیر دولتی آذربایجان بر علیه ایران	۱- ادامه روند تبلیغات فراگیر منفی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران ۲- اقتضایی بودن روند عملکرد رسانه‌ها (منفی یا مثبت) ، متناسب با نوع رابطه آذربایجان و ایران ۳- تبلیغات توجیه کننده رفتار و گرایش دولت آذربایجان به جمهوری اسلامی ایران
۲	اشتراکات تاریخی و فرهنگی	۱- تقویت پان‌ترکیسم و تحریک و هدایت آذرهای ایران برای اقدام علیه حاکمیت ایران ۲- توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد وابستگی یا حداقل رفع نیازهای عمومی آذربایجانی‌ها در ایران
۳	مواضع شیعیان آذربایجان نسبت به جمهوری اسلامی ایران	۱- تضعیف و از بین رفتن اصول و مبانی مذهب شیعه اثنی عشری و در حد شعار باقی ماندن آن در جامعه آذربایجان ۲- تقویت و توسعه مبانی ارزشی شیعه حقیقی نه شیعه با قرائت آمریکایی

در مرحله هفتم حالت‌های مختلف عدم قطعیت‌های مهم را در هم ضرب و حالت‌های که با هم تناقض داشتند را حذف کردیم و شروع به نوشتن پشت کارت‌ها با ترتیب قطعیتهای مهم و غیر مهم و در کادر پایین پشت کارت عدم قطعیت‌های مهم،کردیم و مرحله آخر یعنی گام هشتم با حذف کارت‌های که دارای تناقض بودند، نهایتاً با نظر خبرگان به سه سناریو مطلوب ، ممکن و محتمل رسیدیم که در ادامه به آن می‌پردازیم.

داستان سناریوهای پیش روی آینده روابط ایران و جمهوری آذربایجان

درباره آینده روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان می‌توان سناریوهای گوناگون و خوش‌بینانه‌ای مطرح نمود. از جمله سناریوهای با عناوین همزیستی مسالمت‌آمیز و آتش زیر خاکستر. در نوشتار حاضر سعی بر آن است که با توجه به عوامل کلیدی

تاثیر گذار (قطعی و غیر قطعی) و واقعیت‌های موجود در ساحت عمل، پس از بیان آینده مطلوب روابط دو کشور، سناریوهای ممکن و محتمل در آینده مطرح گردد.

سناریوی اول (آینده مطلوب)

در بررسی آینده‌ی روابط دو کشور، آنچه آینده مطلوب به نظر می‌رسد، تقویت روابط دو کشور در حوزه‌های اقتصادی و به تبع آن در سایر حوزه‌ها، الیته با در نظر گرفتن ملاحضات خودشان.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در روابط رو به گسترش جمهوری آذربایجان با غرب به خصوص کشور آمریکا و همچنین گسترش و نفوذ رژیم صهیونیستی در این کشور و اجازه فعالیت آزادانه به این رژیم منحوس برای فعالیت علیه جمهوری اسلامی از طریق خاک آذربایجان، به نظر می‌رسد در ادامه حاکمیت کشور جمهوری آذربایجان به اشتباه راهبردی خود در راستای تامین امنیت خود و منطقه(نگاه برون منطقه‌ای آذربایجان) و حل مناقشه قره‌باغ پی‌برده و با کاهش تبلیغات منفی در رسانه‌های حاکمیتی خود علیه جمهوری اسلامی ایران، در صدد تقویت روابط خود با کشورهای همسایه بالاخص جمهوری اسلامی ایران برآمده و جمهوری اسلامی ایران نیز متقابلاً به فکر توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود با کشور آذربایجان خواهد افتاد که در این صورت به نظر می‌رسد آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری آذربایجان در حوزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رو به بهبودی خواهد گذاشت و هر دو کشور در ادامه در راستای مستحکم کردن روابط خود فعالیت‌های مثبتی را در حوزه‌های مختلف مخصوصاً اقتصادی انجام خواهند داد.

سناریوی دوم

در بررسی آینده‌ی روابط دو کشور، آنچه آینده ممکن به نظر می‌رسد، این است که، روابط دو کشور سیر نزولی به خود خواهد گرفت و دوکشور به شدت فعالیت‌های همدیگر را رصد خواهند کرد تا در صورت لازم واکنش نشان دهند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در عوامل موثر در روابط دو کشور به نظر می‌رسد، اگر تبلیغات اقتضایی رسانه‌ای توسط کشور آذربایجان علیه جمهوری اسلامی همچنان ادامه داشته

باشد ودر ادامه، در صورتی که صبغه منفی علیه ایران به خود بگیرد، این امر باعث باعث تضعیف و از بین رفتن برخی عوامل همگرا (تجانس دینی و تجانس زبانی) و حتی احتمال تبدیل آن‌ها به عوامل واگرا در روابط دو کشور شده و در ادامه به احتمال زیاد جمهوری اسلامی ایران به صورت محتاطانه و البته با دقت در پی رصد این روند خواهد بود که در صورت شدت و سازماندهی اقدامات مداخله‌جویانه و خصمانه، دست به فعالیت‌هایی در جهت خنثی‌سازی و حتی مقابله به صورت محدود خواهد زد که در این صورت به نظر می‌رسد آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری آذربایجان در حوزه‌های مختلف در ۱۰ سال اخیر سیر نزولی خواهد داشت و دو کشور به صورت خیلی دقیق و حساب شدن فعالیت‌های همدیگر را رصد خواهند کرد که در صورت اقدام علیه یکدیگر، در سطوح مختلف (حتی در حد مصاحبه) واکنش نشان دهند.

سناریوی سوم

در بررسی آینده‌ی روابط دو کشور، آنچه آینده محتمل به نظر می‌رسد، روابط دو کشور رو به سردی گرایش پیدا خواهد کرد و احتمالاً در برخی موارد دو کشور اقداماتی را به صورت محدود بر علیه هم انجام بدهند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در عوامل موثر در روابط دو کشور به نظر می‌رسد، اگر همچنان تبلیغات منفی(داخلی و خارجی) توسط کشور آذربایجان علیه جمهوری اسلامی روند صعودی داشته باشد، این روند باعث تضعیف و از بین رفتن برخی عوامل همگرا (تجانس دینی و تجانس زبانی) و حتی احتمال تبدیل آن‌ها به عوامل واگرا در روابط دو کشور شده و در ادامه جمهوری اسلامی ایران به صورت حساب شده دست به فعالیت‌های در جهت خنثی‌سازی و حتی مقابله به صورت محدود خواهد زد بنابراین به نظر می‌رسد دو کشور روابط خود را به خاطر برخی ملاحضات فقط به صورت ظاهری حفظ خواهند کرد.

نتیجه‌گیری

بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان نشان دهنده آن است که روابط دو طرف در ابتدا دوستانه و در سطحی بود که ایران را در جایگاه مناسبی برای شریک آذربایجان قرار می‌داد، اما این روابط به تدریج دچار چالش‌هایی شده است. با توجه به شیعه بودن کشور

جمهوری آذربایجان و مد نظر قرار دادن همسایگی(هم‌مرز بودن) و پیوندهای مذهبی، تاریخی و فرهنگی جمعیت آن با ایرانیان، روابط دو کشور از پتانسیل خوبی برخوردار است، در حالی که بررسی‌ها نشان دهنده آن است که روابط دو کشور در طول زمان و بر اثر اقدامات دو طرف رو به سردی گذاشته است. بنابراین به نظر می‌رسد اقداماتی از قبیل گسترش همکاری‌های جمهوری آذربایجان با امریکا و گسترش روابط این کشور با رژیم منحوس صهیونیستی، سرکوب فعالان اسلامی به جرم جاسوسی و همکاری با ایران، حمایت از نیروهای پان ترکیستی مخالف ایران، انجام تبلیغات منفی رسانه‌ای بر علیه ایران، ترویج اسلام با قرائت غربی و گشترش روابط ایران و ارمنستان از عواملی هستند که باعث تیرگی روابط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در ابعاد مختلف شده است.

بنابراین با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش و استخراج عوامل قطعی و غیر قطعی تاثیر گذار در آینده روابط سیاسی و اجتماعی دو کشور و طی مراحل هشت‌گانه سناریونویسی شوارتز این جمع‌بندی حاصل می‌شود که براساس نظر خبرگان و صاحب‌نظران حاضر در این پژوهش سه سناریو مطلوب، ممکن و محتمل پیش روی روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان می‌باشد که سناریو مطلوب با نظر خبرگان بنام سناریوی هم‌زیستی مسالمت آمیز، سناریوی ممکن بنام سناریوی رصد با دقت و حرکت محتاطانه و سناریوی محتمل بنام آتش زیر خاکستر نامگذاری شد. سناریو مطلوب عبارتست از اینکه باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته در خصوص عوامل تاثیر گذار در روابط دو کشور، به نظر می‌رسد، مناقشه قره‌باغ به عنوان مهمترین مسئله و دغدغه کشور جمهوری آذربایجان، تمامی عملکرد این کشور را از زمان فروپاشی شوروی و استقلالش تحت تاثیر خود قرارداده است. به طوری که با نگاهی گذرا به سیاست خارجی، روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... این کشور، می‌توان به نقش این عامل مهم و تاثیر گذار پی‌برد. بنابراین با توجه به روابط رو به گسترش جمهوری آذربایجان با غرب به خصوص کشور آمریکا و همچنین گسترش و نفوذ رژیم صهیونیستی در این کشور و اجازه فعالیت آزادانه به این رژیم منحوس برای فعالیت علیه جمهوری اسلامی از طریق خاک آذربایجان، به نظر می‌رسد در ادامه حاکمیت کشور جمهوری آذربایجان به اشتباه راهبردی خود در راستای تامین امنیت خود و منطقه(نگاه برون منطقه‌ای آذربایجان) و حل مناقشه قره‌باغ پی‌برده

و با کاهش تبلیغات منفی در رسانه‌های حاکمیتی خود علیه جمهوری اسلامی ایران، در صدد تقویت روابط خود با کشورهای همسایه بالاخص جمهوری اسلامی ایران برآمده و جمهوری اسلامی ایران نیز متقابلاً به فکر توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود با کشور آذربایجان خواهد افتاد که در این صورت به نظر می‌رسد آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری آذربایجان در حوزه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رو به بهبودی خواهد گذاشت و هر دو کشور در ادامه در راستای مستحکم کردن روابط خود فعالیت‌های مثبتی را در حوزه‌های مختلف، مخصوصاً اقتصادی انجام خواهند داد و سناریوی ممکن پیش‌روی روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان عبارتست از اینکه با توجه به روابط رو به گسترش جمهوری آذربایجان با غرب به خصوص کشور آمریکا و همچنین گسترش و نفوذ رژیم صهیونیستی در این کشور و اجازه فعالیت آزادانه به این رژیم برای فعالیت علیه جمهوری اسلامی از طریق خاک آذربایجان علیه جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد، در صورتی که تبلیغات اقتضایی رسانه‌ای توسط کشور آذربایجان علیه جمهوری اسلامی همچنان ادامه داشته باشد و در ادامه این روند صبغه منفی علیه ایران به خود بگیرد، این امر باعث باعث تضعیف و از بین رفتن برخی عوامل همگرا (تجانس دینی و تجانس زبانی) و حتی احتمال تبدیل آن‌ها به عوامل واگرا در روابط دو کشور شده و در ادامه به احتمال زیاد جمهوری اسلامی ایران به صورت محتاطانه و البته با دقت در پی رصد این روند خواهد بود که در صورت شدت و سازماندهی اقدامات مداخله‌جویانه و خصمانه، دست به فعالیت‌هایی در جهت خنثی‌سازی و حتی مقابله به صورت محدود خواهد زد که در این صورت به نظر می‌رسد آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری آذربایجان در حوزه‌های مختلف در ۱۰ سال اخیر سیر نزولی خواهد داشت و دو کشور به صورت خیلی دقیق و حساب شدن فعالیت‌های همدیگر را رصد خواهند کرد که در صورت اقدام علیه یکدیگر، در سطوح مختلف (حتی در حد مصاحبه) واکنش نشان دهند.

اما سناریو محتمل پیش‌روی روابط دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان عبارتست از اینکه باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته در خصوص عوامل تاثیر گذار در روابط دو کشور، به نظر می‌رسد به نظر می‌رسد، اگر همچنان تبلیغات منفی(داخلی و خارجی) توسط کشور آذربایجان علیه جمهوری اسلامی روند صعودی داشته باشد، این روند باعث تضعیف و از بین رفتن برخی عوامل همگرا (تجانس دینی و تجانس زبانی) و حتی احتمال تبدیل آن‌ها به عوامل واگرا در روابط دو کشور شده و در ادامه دولت آذربایجان درصدد تحریک آذرهای‌های کشور ایران علیه حاکمیت بر خواهد آمد که به احتمال زیاد جمهوری اسلامی ایران به صورت حساب شده دست به فعالیت‌های در جهت خنثی‌سازی و حتی مقابله (به صورت محدود)خواهد زد که در این صورت به نظر می‌رسد آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری آذربایجان در ده سال اخیر رو به تاریکی خواهد گذاشت و دو کشور روابط خود را به خاطر برخی ملاحضات فقط به صورت ظاهری حفظ خواهند کرد.

بنابراین بیان این مطلب لازم و ضروری به نظر می‌رسد که رقابت راهبردی جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی و حمایت پدرانه آمریکا از آذربایجان کلیه روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بین تهران-باکو را می تواند در آینده تحت شعاع خود قرار دهد. در مقابل احترام به استقلال و حق حاکمیت دو طرف و رعایت حسن همجواری در عین پاسداشت رشته‌های پیوند و برادری و تغییر و تصحیح نگرش مردم جمهوری آذربایجان نسبت به ایرانیان و در کل رهیافت ایجاد بستر گفتگو بین دو کشور می تواند چشم‌انداز مثبتی از بهبود و توسعه روابط دو کشور و فرهنگ نزدیک در آینده باشد.

در خصوص راه‌کارهای رسیدن به روابط مطلوب در آینده دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان متناسب با سناریوهای پیش‌رو، به نظر می‌رسد که چشم انداز روابط تهران و باکو تابع مجموعه شرایط سیاسی، منطقه‌ای، ژئوپلتیک و امنیتی بین دو کشور است. ولی اقتضای همسایگی و اراده سیاسی مبتنی بر توسعه روابط سیاسی و اجتماعی می‌تواند عمق بیشتری به همکارهای دو کشور ببخشد.

حلقه اتصال توسعه کشورهای ایران – آذربایجان (چه توسعه اجتماعی، چه سیاسی و چه ...)، تجارت بین‌الملل است. یعنی توسعه روابط سیاسی و اجتماعی با تجارت ممکن است. از جمله‌ی راهکارهای رسیدن به این توسعه (سناریوی مطلوب) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- تقویت همکاری‌های دوجانبه اقتصادی از جمله همکارهای بازرگانی و حمل ونقل

۲- انعقاد قراردادهای صنعتی، معدنی و تولیدی

۳- تقویت تجارت بین‌الملل بین ایران و آذربایجان (به صورت کلان)

۴- تقویت نهادهای مالی و بانکی

۵- ایجاد و توسعه همکاری‌های علمی، دانشگاهی، دانش بنیان

۶- تقویت و توسعه خدمات پزشکی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

بخش اقتصادی سفارت جمهوری اسلامی ایران – باکو- تاریخ : ۲/خرداد ماه /۱۳۹۹

پوراحمدی میبدی، حسین ;پدین، محمد،(۱۳۹۹) عوامل تاثیرگذار بر روابط ج.ا.ایران و ج.آذربایجان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶، نشریه: رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶۱.

ثریا؛ جمشید، (۱۳۸۹). همگرایی منطقه ای قفقاز جنوبی: موانع و چالش‌ها از منظر جمهوری اسلامی، فصلنامه علمی ـ پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل،۱۹۷-۱۶۹.

حاجیانی؛ ابراهیم، محمود قصاع،(۱۳۹۲). آینده و سناریونگاری؛ طبقه‌بندی روش‌ها و دسته‌بندی سناریوها،

حسین پور، زهرا، (۱۳۹۹) واکاوی عوامل تاثیر گذار بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان (ابعاد و رویکردها)،نشریه مطالعات منافع ملی، شماره ۲۲.

حسین‌پور، زهرا، (۱۳۹۹)، واکاوی عوامل تاثیرگذار بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان(ابعاد و رویکردها،تهران، نشریه مطالعات منافع ملی، شماره ۲۲، ص۱۱۲-۹۱.

حیدری؛غلامحسین، (۱۳۹۰). جایگاه ژئوپلتیک قفقاز در سیاست قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌الملل، شماره۷، ۲۴۵-۲۰۷.

جعفری‌زاد، علیرضا، توحیدیان، علی، حسنوی، رضا. (۱۴۰۱). شناسایی پیشران‌های موثر در آینده روابط امنیتی ایران و جمهوری آذربایجان با رویکرد آینده‌پژوهی. آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۶۵-۹۳, ۳(۲). Dor: 20.1001.1.27173674.1401.3.2.3.3

خلیلی، محسن و همکاران (۱۳۹۱). ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثّر در سیاست خارجی ایران و جمهوری آذربایجان، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۳، ص۷۶-۴۳.

رنجبر حیدری، وحید؛ قربانی، ارسلان؛ سیم بر، رضا؛ حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۸). آینده پژوهی روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس در افق۱۴۰۴، نشریه: پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۲۹.

روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۸/۹.

عباسی؛ مجید و سید محمدرضا موسوی، (۱۳۹۲). روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی، شماره۲، ص۸۰-۶۱.

علیخانی، مهدی ;کریمی خرقانی، حسین.(۱۳۹۷)، تاثیر منافع ملی ایران بر روابط ایران و آذربایجان در سده بیست و یکم، نشریه مطالعات منافع ملی، شماره ۱۲ .

قوام، سیدعبدالعلی، (۱۳۸۸)، روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکرده، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷). ایده‌های ژئوپلتیک و واقعیت‌های ایران، تهران، انتشارات نی.

مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۰)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ ششم، انتشارات سمت، تهران.

موسوی شهیدی، سید مهدی؛ احمدی کروچ، سید عباس، (۱۳۹۸)، زمینه‌های تعامل، رقابت و تنش در روابط ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان و ارائهٔ مدل پیشنهادی، نشریه: روابط خارجی، شماره ۴۲.

موسوی؛ سیدمحمد و همکاران، (۱۳۹۲). سیاست خارجی ایران در قبال جمهوری آذربایجان، اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا.

میرعبدلی، محمد ;خراسانی، رضا،(۱۳۹۸). آینده‌پژوهی جریان‌های سلفی- تکفیری در دوره پساداعش، نشریه: پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۳۰.

نصری مشکین؛ قدیر، (۱۳۷۹). چالش‌ها و بایسته‌های تحرک جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره۲۹،ص۸۶.

نگاه استراتژیک اسرائیل به جمهوری اذربایجان، ۲۲ مهر ۱۳۸۹ http://mahtabnews.blogfa.com/post-1768.aspx.

واحدی، الیاس (۱۳۸۶). برآورد استراتژیک آذربایجان، تهران، دفتر مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

ولیقلی‌زاده، علی(۱۳۸۸)، طرح پژوهشی بررسی جایگاه و مزیت‌های اقتصادی ایران برای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و ...، منطقه آزاد تجاری- اقتصادی ارس. فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال دوم ، پاییز ۹۲، شماره هشتم، ص ۶۲-۳۳.

ب) پایان‌نامه:

عنوان پایان نامه: الگوی مطلوب همگرایی منطقه‌ای در حوزه همسایگان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، استاد راهنما: خانی، محمدحسن، دانشجو:بشیری لحاقی، میثم ،(۱۳۹۶)، دانشگاه دانشگاه امام صادق(ع).

عنوان پایان نامه: چالش‌های امنیتی قفقاز و تاثیرآن بر ایران (۱۹۹۲-۲۰۰۳) ملاحظات تاریخی، استاد راهنما: حضرتی، حسن، دانشجو: طهماسبی نسب، کیومرث، (۱۳۹۶)، دانشگاه دانشگاه تهران.

عنوان پایان‌نامه: بررسی عوامل همگرایی و واگرایی در روابط ج. ا. ایران و ج. آذربایجان، استاد راهنما:بیات، درویشعلی، دانشجو: کارآزما، مهدی، (۱۳۹۶)، دانشگاه دانشگاه تهران.

عنوان پایان نامه: نقش اسراییل در افزایش تضاد های سیاسی ایران و اذربایجان، استاد راهنما: اسماعیلی، محمد مهدی، دانشجو: حسینی عتیق، سید یاسر ،(۱۳۹۳)، دانشگاه دانشگاه تهران.

ج) منابع انگلیسی:

Nassibli, Nasib ,Azerbaijan- Iran Relations: Challenges and Prospects (Event Summary), Event Report, Kennedy School of Government, Harvard University, http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/12750/azerbaijan_iran_relations.html

Azerbaijan, Iran Sign Gas Contract," Tehran Times, January 14, 2010, http://www.tehrantimes.com/index_View.asp?code=212156(January 19, 2010)

Nassibli, Nasib ,Azerbaijan- Iran Relations: Challenges and Prospects (Event Summary), Event Report, Kennedy School of Government, Harvard University, http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/12750/azerbaijan_iran_relations.html

Azerbaijan,(2008), Independent Islam and the State, Crisis Group Europe Report, No 191, 25 March.

Valiyer Anar,(2005)"Azerbaijan: Islam in a Post – Soviet Republic", Middle East– Review of International Affairs, Vol 9, No.4, pp.1-13.